

**رئیس** - نمیشود مابین شور اول و شور ثانی پنجروز باید فاصله باشد  
**محمد هاشم میرزا** - بنده سهو کردم خیال کردم قسمت قسمت است  
**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ( اظهاری نشد )  
 ( مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شد )

**جاسه ۳۸**

**صورت مشروح روز پنجشنبه پنجم شهر رجب ۱۳۲۳**

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل و صورت روز ۵ شنبه ۲۸ قرائت شد  
 غائبین با اجازه آقایان طباطبائی و قارالسلطنه دکتر لقمان  
**رئیس** - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست ( مخالفتی نشد ) معلوم میشود ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد جلسه را برای روز یکشنبه معین کرده بودیم ولی بملاحظه اینکه قانون دخانیات از کمیسیون نگذشته و حاضر نبود این بود که جلسه منعقد نشد قانون تشکیلات مالیه که شور اولش تمام شده بود حاضر بود طبع و توزیع شد و جزء دستور امروز قراردادیم اگر مخالفی نباشد شروع میکنیم بشور ثانی آقایانی که تصویب میکنند در شور ثانی داخل شویم قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده اول قرائت میشود. ( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده اول - وزارت مالیه بتقسیمات ذیل منقسم میشود (۱) دائره وزارت (۲) اداره تشخیص عایدات و خالصجات و مسکوکات (۳) اداره خزانه داری کل (۴) دائره محاسبات کل مالیه و دیون عمومیه و وظایف ( ۵ ) اداره گمرکات (۶) محاکمات مالیه (۷) کمیسیون تطبیق حوالجات (۸) دائره پرسنل و ملزومات (۹) مجلس مشاوره عالی برای محاکمات اداری .

**رئیس** - در فقره اول مخالفی هست یا نیست .

**حاج شیخ یوسف** - در تحصیلات علمیه خوانده ایم که همیشه مقسم باید در اقسامش معتبر باشد عنوان این قانون (تشکیلات مالیه است ) برای عنوان ماده اول نوشته شده است .

( وزارت مالیه بتقسیمات ذیل منقسم میشود ) بنده گمان میکنم اینجا باید نوشته شود وزارت مالیه بتشکیلات ذیل متشکل میشود دلیل بر این مطلب این است که در ماده دوم هم عوض ( کلبه ادارات ) کلبه تشکیلات نوشته شده است که در ماده سوم هم به همین گمان می کنم اگر مجلس یک قدری دقت بکند که قانونیکه مینویسند محل تنقید واقع نشود بهتر است بنابراین اگر اینجا نوشته شود وزارت مالیه بتشکیلات ذیل متشکل میشود بهتر است

**رئیس** - این عبارتی است که چند مرتبه عرض کرده ام اصلاح عبارتی بکمیسیون باید رجوع شود حالا مجبورم عرض کنم اگر بعد از این در باب اصلاح عبارتی مذاکره شود مورد اخطار واقع خواهد شد

**سردار معظم مخبر** - علاوه بر اصلاح عبارتی کمیسیون هم نمیتواند با این مسئله موافقت بکند در ماده دوم و سوم هم که اینطور نوشته شده است برای این بوده که در شور اول بمضی از نمایندگان اشکال کردند که ادارات شامل دوائر نخواهد شد باینجهت تشکیلات نوشته شد.

**رئیس** - دیگر در فقره اول مخالفی نیست ( اظهاری نشد ) در فقرات دوم و سوم چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم هم اظهار مخالفتی نشد  
**رئیس** - رای میگیریم بماده اول - آقایانی که ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده دوم - کلبه تشکیلات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود

**رئیس** - در این ماده کسی مخالف نیست ( اظهاری نشد ) آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند و ماده سوم باین مضمون قرائت شد )

ماده سوم - تشکیلات مزبوره هر يك در تحت ریاست یک نفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت باستثناء مجلس مشاوره عالی که ترتیب در مواد ۴ و ۵ مذکور است

**حاج شیخ حبیب الله** - در اینجا نوشته شده باستثناء مجلس مشاوره عالی معنی این استثناء اینست که مجلس مشاوره عالی اجزاء لازم ندارد یا اینکه طور دیگری است

**مخبر** - مجلس مشاوره عالی هم رئیس و هم اجزاء دارد ولی فرقی که دارد اینست که ادارات دیگر رؤسا دائم دارند ولی مجلس مشاوره عالی دائمی نیست که همیشه مشغول خدمت و کار باشد هر وقت لازم باشد مجلس مشاوره عالی منعقد شود در تحت ریاست خود وزیر مالیه یا معاون او تشکیل میشود ولی سایر ادارات همیشه دائر است و رئیس و اجزا دائمی دارند

**حاج شیخ حبیب الله** - معهدا.....  
**رئیس** - آقا بدون اجازه که نمیشود حرف زد

**حاج شیخ حبیب الله** - اجازه میخواهم  
**رئیس** - بفرمائید

**حاج شیخ حبیب الله** - معهدا چون مجلس مشاوره عالی هم رئیس و هم اجزا خواهد داشت محتاج باستثناء نیست

**رئیس** - در ماده سوم دیگر ایرادی نیست ( اظهاری نشد ) رای میگیریم بماده سوم آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده چهارم خوانده میشود ( باین مضمون قرائت شد )

ماده چهارم - روسای ادارات مذکوره در فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ ماده اول بر حسب پیشنهاد وزیر مالیه بصدر فرمان همایونی منصوب میشوند

**رئیس** - در ماده چهارم ایرادی نیست ( گفته شد خیر ) پس رای میگیریم آقایانی که

ماده چهارم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب نمایندگان قیام نمودند ماده پنجم بمضمون ذیل خوانده شد )

ماده پنجم - رئیس دائره پرسنل و ملزومات مالیه بر حسب حکم وزیر مالیه منصوب میشود

**رئیس** - در ماده پنجم مخالفی هست یا نیست ( اظهاری نشد ) رای میگیریم آقایانی که ماده پنجم را تصویب میکنند قیام نمایند ( غالباً قیام نمودند ) ماده پنجم تصویب و ماده ششم بمضمون ذیل خوانده شد  
 ماده ششم - روسای دوائر ادارات مذکوره در ماده یک به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند

**عبد الملك** - در شور اول بنده در موقعی که مذاکره میشد اداره وصول را از خزانه داری مجزا کنند توضیحاتی دادم و آقای مخبر هم قبول کردند که کلمه مرکز را در اینجا بیفزایند و مخصوصاً با تصرفی که در ماده هفتاد شده است تعیین مأمورین ولایات بر حسب پیشنهاد پرسنل و تصویب مجلس مشاوره عالی معین شده این عبارت در اینجا جامع نیست بنا بر این اگر عبارت مرکزی اضافه شود گمان میکنم رفع این اشکال بشود

**مخبر** - نظرم نیست چنین پیشنهادی به کمیسیون رسیده باشد ولی بهر حال مقصود این است که روسای ادارات مرکزی بر حسب پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی معین میشوند و از برای مأمورین ولایات يك تکلیفی بعد معین می شود

**عبد الملك** - آنروز پیشنهاد بنده شفاهی بود و ایشان هم شفاهی فرمودند که کلمه مرکز افزوده میشود و اگر نظر بماده هفتاد کنند می بینند که تعیین مأمورین ولایات بموجب پیشنهاد دائره پرسنل و تصویب مجلس مشاوره عالی پیشنهاد شده و این ماده جامعا برای تمام دوائر مینویسد به پیشنهاد رئیس اداره آنوقت شامل آن ترتیب نمیشود خوب است این ماده اصلاح شود

**مخبر** - مطلب بمقیده بنده واضح است ممکن است ادارات مرکزی که در اینجا ذکر شده در داخله خودشان منقسم بدوائر شوند روسای آن دوائر مرکزی را کمی معین میکنند البته بتصویب وزیر و نظر روسای آن ادارات است و نمیتوان این حق نظر را از آنها سلب کرد فرض کنید اداره تشخیص عایدات در داخله خودش منقسم میشود بدوائر جزء رؤسائی که میخواهند برای آنها معین کنند البته باید بنا نظر رئیس اداره تشخیص عایدات باشد و همچنین اداره محاسبات يك شعبه که میخواهند برای وظایف معین کنند طبیعتاً و قهراً باید نظر رئیس اداره محاسبات شرط باشد اما ماده (۷۱) که فرمودند گمان میکنم ماده (۷۱) نیست ماده ۶۷ یا (۶۸) است و آن ماده مربوط است بامناء و پیشکاران مالیه و اینها دو مطلب جدا هستند و مربوط بهم نیستند

**عبد الملك** - عرض میکنم این تشکیلات را تقسیم کرده اند ب اداره و دوائر بمرکز مفید نکرده اند البته روسای دوائر اعم است از آنکه پیشکار مالیه باشد و یا رئیس يك دائره باشد در مرکز و خود ایشان آنروز هم پذیرفتند که کلمه مرکز را در اینجا بیفزایند و گویا فراموش کرده اند و گمان میکنم اگر کلمه

مرکز را در اینجا بیفزایند آن اشکال رفع شود  
**مخبر** - چون مقصود یکی است منافات ندارد ممکن است اضافه شود  
**رئیس** - آقای حاج عن الممالک پیشنهادی کردد اند اگر قبول فرمایند ضمیمه شود (ماده ششم با اضافه پیشنهاد مزبور مجدداً) (بمضمون ذیل قرائت شد)  
 ماده ششم - رؤسای دوائر ادارات مذکوره در ماده یک به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله در این پیشنهاد اظهاری دارید  
**حاج شیخ اسدالله** - خیر راجع باصل ماده است

**رئیس** - بفرمائید  
**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور می کنم آن نظری را که در تعیین پیشکاران و امتیازات کمیسیون ملحوظ داشته است اگر در اینجا هم ملحوظ شود بد نیست ولو اینکه میلد یک ماده دیگری شود و آن اینست در صورتی که رئیس اداره پیشنهاد میکند نظر وزیر هم در اینجا ملحوظ شود باین معنی که اضافه شود در صورتی که وزیر پیشنهاد اول را رد کرد تا بنا تجدید پیشنهاد شود که وزیر هم یک نظری در تعیین روسای دوائر ادارات داشته باشد

**حاج عزالممالک** بقرینه بنده مقصود همین طور است که حضرتعالی بفرمائید بجهت این که پیشنهاد وزیر را مجبور نمیکند که حتماً پیشنهاد را قبول کند ولی ناچار هستیم بگوئیم اگر رئیس اداره محاسبات کل فرضاً بعضی دوائری لازم داشته باشد رؤسای دوائر را پیشنهاد بکنند و وزیر حکم بدهد برای اینکه او مسبوق خواهد بود که کمی می تواند آنوظیفه را بخوبی انجام بدهد در اینصورت باید بانظر رئیس اداره باشد و اینکه میفرمایند اگر وزیر رد کرد تا بنا تجدید پیشنهاد شود بقرینه بنده چنانچه عرض کردم پیشنهاد وزیر را مجبور نمیکند که حتماً قبول کند و ترتیب قانونی هم باید بطور کلی باشد در اینجا می نویسد روسای دوائر ادارات مذکوره در ماده یک بر حسب پیشنهاد رئیس آن اداره و حکم وزیر منصوب میشوند در اینصورت وزیر باید راضی شود و حکم بدهد اگر راضی نشود و حکم ندهد و در صورتیکه حکم ندهد او منصوب نمی شود بقرینه بنده این توضیح یک چیز زائده است .

**حاج شیخ اسدالله** - بعد از اینکه نظریه بنده را تصدیق بفرمائید بنده تصور می کنم اگر این ماده واضح تر نوشته شود بهتر است قانون باید قسمی نوشته شود که اسباب اشکال و مورد تنازع و تشاجر و اختلاف واقع نشود ممکن است اگر ما یک اختیاری به رؤسای ادارات بدهیم یک اشخاصی که بسته و کس و کار خودشان هستند در دوائر جزء خودشان منصوب کنند اگر چه بنده اساساً تصدیق میکنم که نسبت بدوائر جزء باید نظر رئیس اداره ملحوظ و عنده نظر رئیس کل است ولیکن بهمان نظری که عرض کردم باید یک قدری اختیار بوزیر داده شود میفرمایند ما این نظر را ملحوظ داشته ایم و صحیح

هم هست اگر اینطور است بنویسید ( به پیشنهاد رئیس اداره و تصویب وزیر و حکم وزارتی) اشکالی هم ندارد که یک لفظی در اینجا اضافه شود که بعدها اشکال فراهم نشود اگر همین ماده قناعت شود آن وقت شاید رئیس اداره بوزیر بگوید این حق را نداری تو فقط حق دادن حکم را داری و من هر کدام را میخواهم باید پیشنهاد کنم بنده عقیده ام اینست که این ماده واضح تر نوشته شود و این اشکال فراهم نیاید بهتر است در صورتی که موافقت دارند چه ضرر دارد این کلمه اضافه شود

**مخبر** - در صورتی که آن پیشنهاد کننده خودش تابع وزیر مالیه است اگر بگوید او میتواند بوزیر بگوید که شما حق ندارید پیشنهاد مرا رد کنید چیز فریبی است زیرا او مرئوس وزیر است مساوی با وزیر نیست این مطلب بقدری ساده است که گمان میکنم قابل دو کلمه مذاکره هم نباشد رئیس اداره که پیشنهاد می کند برای اینست که او باوضاع اداره خودش آشنا تر و بصیرتر است و البته کسانی که زبردست او کار میکنند باید پیروی او را بکنند لهذا نمیشود این حق را از او سلب کرد کسانی که داخل در یک اداره بوده اند میدانند که این مسئله الف باه و اساس زندگانی اداری است که هیچ نمیشود ازین برد از طرف دیگر تعیین آنها را برؤسا و اگدار نکرده اند و گفته شده است به پیشنهاد رئیس اداره پیشنهاد یعنی چه یعنی اگر مالیه راضی نشد آن شخص را رد خواهد کرد .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد - رأی میگیریم بماده ششم آقایانی که ماده ششم را تصویب میکنند قیام نمایند  
 (اغلب نمایندگان قیام نمودند و ماده هفتم) (باین مضمون خوانده شد)

**ماده هفتم** - دایره وزارتی مشتمل است بر وزیر مالیه و معاون ویا مدیر کل وزارت خانه و کابینه وزیر  
**نظام السلطان** - میخواستیم سؤال کنم در صورتی که معاون نوشته شده است دیگر مقصود از مدیر کل چیست در صورتی که معاون در تحت ریاست وزیر باشد البته مدیر کل هم خواهد بود .

**رئیس** - این سؤال را در شورای اول فرمودید جواب هم دادند رأی میگیریم بماده هفتم آقایانی که ماده هفتم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)  
**رئیس** تصویب شد - ماده هفتم خوانده میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

**ماده هشتم** - اصول وظایف وزیر مالیه از قرار ذیل است (۱) نظارت در اجرای قوانین و نظامنامه های مالیه و اداری و مراقبت در ایفا بوظایفی که برای هر یک از ادارات و تأسیسات مالیه معین گردیده است (۲) جلوگیری از تجاوزات و تفریط مالیه مملکت (۳) امضای کلیه حوالجات حوالجات مستقیم و اختیاری (۴) تهیه لایحه بودجه کل و لایحه تفریح بودجه برای تقدیم بمجلس شورای ملی (۵) تهیه لوائح قانونی راجع بمالیه مملکت و ترتیب نظامنامه های لازمه (۶) امضای قراردادهای و امتیاز نامهها و کتبرتهای مخصوص بمالیه در حد در مقرر قانون (۷) امضای جزء جمعی مالیه ای که اداره تشخیص

عایدات تهیه میکند (۸) جلب مأمورین وزارت مالیه بمحکمه اداری برای تصدیقات اداری (۹) انعقاد مجلس مشاوره عالی برای محاکمه مأمورین مالیه و امضاء محاکمات مالیه (۱۰) اجرای راپورت های محکمه مالیه و مجلس مشاوره عالی پس از امضای راپورت های مذکوره

(۱۱) مراقبت در اینکه کلیه مکاتبات رسمی و دفاتر ادارات مالیه بخط فارسی باشد  
**رئیس** - در فقره اول مخالفی هست یا نیست .  
**حاج شیخ حبیب الله** - در فقره اول میفرمایند (نظارت در اجرای قوانین و نظامنامهها) بقرینه بنده قوانین کافی است قید بنظامنامهها لازم نیست

**رئیس** - در فقره دوم مخالفی هست یا نیست - (اظهاری نشد) در فقره سوم هم ایرادی نیست در فقره چهارم پنجم ششم هم چنین  
**مدرس** - مقرر بفرمائید فقره ششم قرائت کنند (مجدداً قرائت شد)

**مدرس** - این امضای قراردادهای و امتیاز نامهها بعضی نوشتجات را شامل نیست خصوص آنهایی که مدخلیت در جمع و خرج و زیاده و تقیصه عایدات مملکت دارد چون یک مسئله هم تازه واقع شده که ما را متنبه کرد یعنی یک خرج بیست سی هزار تومانی این ایام شد و کسی نفهمید و بعد از خرج شدن فهمیدند بنا بر این بنده عرض میکنم مخصوصاً نوشتجات که مدخلیت در جمع و خرج زیاده و تقیصه عایدات دارد باید بامضای وزیر برسد در اینصورت خیلی محظورات و مشکلات رفع میشود یعنی وزیر بعضی چیزها را ملتفت میشود و جلوگیری میکند در شورای اول هم گویا یک پیشنهادی شد که نوشتجات و مکاتباتی که در زیاده و تقیصه عایدات مدخلیت دارد اضافه شود نه پس آنم چرا کمیسیون این مطلب را قابل توجه قرار نداده

**مخبر** - در این مسئله اولاً بآن جیتی که در مجلس قابل توجه نشد کمیسیون نتوانست قبول کند و آن پیشنهاد که بنده تقاضا کردم به کمیسیون رجوع شود پیشنهاد خود آقای مدرس بود فقط آنروز اشکالی که داشتید این بود که کلمه تصویب مبدل شود به امضاء کمیسیون هم همین کار را کرد و لفظ تصویب را مبدل بامضاء کرد اما در اصل مطلب آنروز عرض کردم حالا هم تکرار می کنم که آقایان دلهلی که میاورند این بود که امضاء (وزیر مالیه) مالیه مملکت را از تفریط محفوظ میدارد بنده عرض میکنم اینطور نیست بجهت اینکه دادن پول در مملکت بتوسط حواله داده میشود لایق هر اداره یا هر دائره ولو اینکه بخواد در قران پول خرج کند از برای آن دو قران حواله صادر می شود و چنانچه ملاحظه میفرمائید در فقره سوم همین ماده که مطرح بحث است صحت حوالجات را موکول بامضای وزیر مالیه کرده اند و در مواد بعد هم شرایطی برای حوالجات معین کرده اند پس در اینصورت آنقسمت از فرمایشات آقای ترقم میشود اما امضاء کردن کافه های اداری البته تصدیق میفرمایند قانون نمی تواند یک وزیری را مکلف کند که تمام کافه ها را امضاء کند و آنقدر حق نداشته باشد که یک نفر را بجهت امضای نوشتجات جزئی معین کند و معاون و یا مدیر کل بگوید

فلان کافه را تو امضا کن فلان کافه را من امضاء می کنم ملاحظه بفرمائید این يك مسئله خواهد بود که در درجه دوم سوم و چهارم واقع است در قانون بهیچوجه نمیشود اینطور چیز های جزئی را ذکر کرد

**رئیس** - در فقره هفتم مخالفی نیست (اظهاری نشد) (و در فقرات هشتم نهم دهم و یازدهم اظهار مخالفتی نشد)

**رئیس** - رأی میگیریم در کلیه فقرات یعنی در ماده هشتم آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند  
 (اغلب قیام نمودند ماده هشتم تصویب و ماده نهم بمضمون ذیل قرائت شد)

**ماده نهم** - وظایف معاون یا مدیر کل بر حسب نظامنامه که در کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی تصویب خواهد شد معین میشود

**رئیس** - در این ماده مخالفی نیست (اظهاری نشد) ( آقایانی که ماده نهم را تصویب می کنند قیام نمایند  
 (عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده دهم خوانده میشود (باین مضمون خوانده شد)  
**ماده دهم** - اصول وظایف اداره تشخیص عایدات بقرار ذیل است

(۱) تشخیص و تهیه جزء جمع نقدی و جنس کل مالیاتهای که تاکنون معمول بوده و یا بعد ها وضع خواهد شد ترتیب جزو جمعیهای مذکوره بطوری خواهد بود که میزان کل مالیات و فرجهات و تقسیم آن برای ایالات و ولایات و بلوکات و قراه و حتی الامکان بر اقرار مالیهات بده معین باشد

(۲) تهیه و تسلیم صورت کل مالیات هر ساله برای وصول بجایهای مربوطه

(۳) طبع و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیات دهندگان در مرکز و ولایات

(۴) تهیه دستورالعملها و نظامنامه های راجع بمالیات ها

(۵) تحقیق و تشخیص تخفیفات دائمی و موقتی برای پیشنهاد کردن بمقامات لازمه

(۶) تهیه لوائح و وسایل لازمه برای ممیزیها و اقدام بانقائس از تصویب مقامات لازمه

(۷) دادن تصدیقات مالیاتی بمودیانی که مطالبه تشخیص بدهی خود را مینمایند

(۸) حفظ تبر و باندرول و تحویل آن بدارات مربوطه

(۹) اداره کردن خالصجات و امور راجع بضرابخانه

(۱۰) دادن اطلاعات مربوطه بمالیتهای نقدی و جنسی و عایدات خالصجات و بضرابخانه و غیره بداره محاسبات کل برای تهیه بودجه

(۱۱) دادن صورت جزء جمعی مالیاتی سالانه بداره خزانه داری کل

(۱۲) تعیین عایدات دولت که صاحب جمع مخصوص نداشته و بموجب امتیازات و قرارداد ها بدولت میرسد و دادن صورت آن ها بخزانه برای وصول

**رئیس** - در فقره اول از ماده (۱۰) گویا ایرادی نباشد در جزء دوم هم همینطور در فقره سوم چه طور

**نظام السلطان** - در فقره سوم نوشته است (طبع و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیات دهندگان در مرکز و ولایات) بنده عقیده ام اینست که جمع و خرج هم باشد نه اینکه تنها صورت مالیات باشد

**رئیس** - این يك مطلب مهمی است پیشنهاد لازم دارد

**مخبر** - خیر پیشنهاد لازم ندارد بجهت اینکه ما وظیفه يك اداره را معین میکنیم که بهیچوجه خرج مربوط باو نیست چطور میتوانیم بگوئیم اداره تشخیص عایدات که وظیفه اش تشخیص جزو جمعها و دستور العمل هائی است که باید مالیات بر طبق آن جزء جمعها وصول شود صورت جمع و خرج را هم تهیه کند و ابداً جمع و خرج در جزء وظایف اونست و نمیتوانیم بگوئیم صورت کلیه جمع و خرج مملکت را طبع و توزیع کنیم معلوم است این اداره مکلف خواهد بود به آن کاری که راجع بداره خودش است و بجز آن به چیز دیگری مکلف نیست

**رئیس** - در فصل چهارم - پنجم - ششم و هفتم مخالف نیست؟

**حاج سید اسدالله** - مؤدبان غلط است...

**رئیس** - عرض کردم اصلاح عبارتی بکمیسیون باید رجوع شود - در فقره هشتم نهم و دهم مخالفی نیست (اظهاری نشد) در فقره یازدهم و دوازدهم گویا ایرادی نیست (اظهاری نشد) پس آقایانی که ماده دهم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - ماده (۱۱) قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده یازدهم اصول وظایف خزانه داری کل از قرار ذیل است .

(۱) - جمع آوری و تمرکز تمام عایدات نقدی و جنسی دولت و دریافت عایدات ادارات صاحب جمع دولتی و آنچه که بموجب قرار دادها و امتیازات بدولت باید عاید شود .

(۲) - معاملات جاری با بانکها و صراف ها .

(۳) - تأدیه مخارج مملکتی مطابق حواله وزیر مالیه و دادن صورت آن بداره محاسبات کل .

(۴) - دادن صورت کل عایدات مأخوذه بداره محاسبات کل .

**مخبر** - در آخر هر برج افتاده است باید اضافه شود (مجدداً ماده باضافه جمله در آخر هر برج) در آخر ماده قرائت شد .

**رئیس** - آقای مدرس در فقره اول مخالفی نیست - نیز عرضی ندارم .

**رئیس** - آقای حاج سید اسدالله در فقره دوم مخالفی نیست .

**حاج سید اسدالله** - خیر در فقره بعد است .  
**ارباب کمیسیون** - بنده سابق تقاضا کردم که بعد از کلمه صرافها نوشته شود ( معتبر باره است صرفه دولت) مخبر کمیسیون هم آن تقاضای بنده را پذیرفتند و بنام در کمیسیون اضافه کنند بنده آن روز نخواستیم خیلی توضیحات بدهم و حالا هم نمی خواهم

خواهم بعضی توضیحات بدهم ولی بطور اختصار عرض میکنم نظر بنده بخسارتی بود که در گذشته متوجه دولت شده نمیدانم چه ضرر دارد که این مهارت در اینجا افزوده شود که اگر یک روزی خزانه دار بایک صراف غیر معتبری معامله کرد و باعث خسارت دولت شد بیکراه مؤاخذه از او در کار باشد .

**مخبر** - اگر چه نظر ندارم که یک همچو پیشنهادی را قبول کرده باشم ولی در هر صورت در اینجا این پیشنهاد که در کمیسیون مذاکره شد کمیسیون نپذیرفت و جهت هم این بود که مسائل خوب در دنیا خیلی است ولی تمام را نمیشود در ضمن یکماده بیان کرد اینجا ما تکلیف خزانه داری را معین می کنیم و هیچ نمیتوانیم تصریح بکنیم يك واضعانی را بگوئیم او باید در معاملات جاری با بانکها و صرافهای معتبر داخل معامله شود این چیز فریبی خواهد بود بجهت این که طبعاً هیچ آدم با آدم غیر معتبر داخل در معاملات نخواهد شد پس حالا که این قضیه این اندازه ساده است تصریح کردن آن در قانون معنی ندارد و این مطلب هم برای مؤاخذه از او وسیله نمیشود چرا بایک صراف غیر معتبری داخل معامله شدی خواهد گفت من نمیدانستم که این صراف معتبر نیست پس از آنکه من داخل در معامله شدم معلوم شد نامعتبر است بالاخره اگر نیست آن کسیکه متصدی يك همچو کاری میشود خالص باشد مسلم است وقتی باندان يك صراف غیر معتبر است البته قهراً با او معامله نخواهد کرد اگر نیتش خالص نباشد این تصریح هم از او جلوگیری نمیکند .

**ناصر الاسلام** - آقای ارباب در ضمن توضیح خودشان گفتند که باین ماده ضمیمه شود ( بارعایت صرفه دولت) این مسئله بقرینه بنده اگر این پیشنهاد پذیرفته شود ضرری که نخواهد داشت نفعی هم دارد زیرا اگر این ماده بطور اطلاق نوشته شده ممکن است خزانه داری با هر کس که مایل است داخل معامله شود و اگر دیگری يك معامله با صرفه دولت به او پیشنهاد کند قبول نکنند با این حالت حالیه دولت اگر قید به معتبر و رعایت صرفه دولت بشود يك منافعی را در بر خواهد داشت و هیچ ضرری هم نخواهد داشت .

**عبدالکدوله** - آنروزیکه در این ماده آقای ارباب این اصلاح را پیشنهاد کردند بنده از طرف آقای مخبر و کالت کردم این اصلاح را قبول کردم بجهت اینکه هر کس که این عبارت را بشنود در پادی نظر استقبال خواهد کرد بجهت اینکه دو کلمه ایست که خیلی جالب توجه است (صرفه دولت) البته ما آرزو مندیم که هیچوقت یکشاهی مال دولت حیف و میل نشود ولی نظریاتی که در کمیسیون بود که در مورد بحث مخبر بیان کردند و آن این بود که ما حتی المقدور باید احتراز کنیم از آن عباراتی که ممکن است بدست یکی از رؤسای ادارات بجهت بدهد بنده تصور میکنم چون رئیس خزانه داری مستقیماً مشول وزیر مالیه است و وزیر را مشول مجلس قرارداده ایم این دو مسئولیت میتواند مال دولت را از حیف و میل محفوظ بدارد اما در صورتی که این کلمه نوشته شود ممکن است رئیس آن اداره باستناد این عبارت با آن کسیکه دلش میخواهد داخل در معامله شود و چون يك میزانی از برای اعتبار عدم اعتبار موجود نیست و ما بعضی صرافها را می بینیم که



تا چند ساعت قبل از ورشکستن و بردن کرورها مال مردم کمال اعتبار را دارند و هیچوقت معلوم نیست کی اعتبار دارد و کی ندارد و یک نرخ عمومی هم که در معاملات نیست که بگوئیم مطابق آن نرخ عمومی رفتار کند پس نظر باین ملاحظاتی که این عبارت وسیله بدست آدم بدکار نهد و بهمین بهانه گوش بحرف وزیر نهد و خودش را از مسئولیتی که در این قانون نوشته است بعنوان حفظ مالیه دولت مبری کند و بگوید قانون بین اجازه داده که باصراف معتبر باصرفه دولت معامله کند و صرفه دولت را در این دیدم که باین شخص بواسطه تفاوت مزایه معامله کنم آنوقت باین وسیله یک حیف و میلی در مالیه دولت شده باشد باین جهت کمیسیون این پیشنهاد را که خیلی جالب توجه است قبول نکرد .

**رئیس** - آقای ارباب کیخسرو پیشنهادی دارید بنویسید تا در موقع مذاکره شود در فقره سوم مخالفی نیست ( اظهاری نشد ) - در فقره چهارم بطور

**حاج سید اسدالله** - توضیح میخواهم امضای حوالجات اعتباری که از وظایف وزیر بودو تأدیاهش از وظایف خزانه داری .

**رئیس** - این مسئله راجع بفقره سوم بود گذشت پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو خوانده میشود . ( بمضمون ذیل قرائت شد ) :

بنده پیشنهاد میکنم در آخر جمله ماده ( ۱۱ ) این عبارت اضافه شود ( صراف های معتبر با رعایت صرفه دولت ) .

**ارباب کیخسرو** - همان طور که عرض کردم بنده وقتیکه نظر میکنم بمعاملاتی که از آن بابت ضرری متوجه دولت شده است اینست که مجبور میشوم که در پیشنهاد خود اصرار کنم آنطوریکه آقای مدلل الدوله فرمودند در واقع عرایض بنده را تصدیق کردند در اینجا هیچ سلب مسئولیت از خزانه دار در مقابل وزیر مالیه نمیشود بلکه بر مسئولیت او میافزاید و یک راهی بدست وزیر مالیه میدهد که اگر خزانه دار از آن راه تجاوز کرد و با اشخاص بی اعتبار طرف شد و صرفه دولت را ملاحظه نمود وزیر مالیه بموجب اشاره که در این ماده میشود از او مؤاخذه کند و اگر در اینجا باین مطلب اشاره نشود آنوقت اجازه مطلق بخزانه داری داده شده که با صرافها و بانکها طرف شود بدون اینکه هیچ شرطی از برای آن معین شده باشد و آنوقت میتوان بگوید مطابق این ماده که در این قانون هست من مجاز بودم با هر کس بخوام طرف شوم و اینکه میفرمایند نمیشود از اول مسئله اعتبار را فرمید و معلوم کرد این فرمایش صحیح است نه فقط نسبت بصرافها بلکه نسبت ببنکها هم بطور یقین نمیشود اعتبار و مقدار سرمایه آنها را معین نمود ولی اگر یک قانونی در کار باشد و خزانه داری مسئول صحت عمل باشد میتواند از روی دقت اشخاصی را برای معامله و طرفیت پیدا کند که نسبتاً معتبر باشند و در باب صرفه دولت که میفرمایند نمیدانم چه قسم تشخیص بدهد بنده عرض میکنم وقتی که مسئول شد میتواند زیرا خزانه داری کل وقتی که در مالیه دولت یک معامله بکنند باید با کمال دقت صرفه دولت را ملاحظه بنماید این است که بنده مخصوصاً لازم میدانم این کلمه در اینجا نوشته شود

تا از برای وزیر مالیه وسیله باشد که بتواند بآن وسیله از خزانه داری مؤاخذه نماید .

**مخبر** - بنده متأسف هستم از اینکه پیشنهادی را که آقای ارباب نموده اند مقصود ایشان را نمیرساند زیرا که اگر فرضاً این کلمه را اضافه کنیم بآن ترتیب که ( معاملات جاری با بانکها و صراف های معتبر ) را از وظایف خزانه داری بنویسیم هیچ مسئولیتی از برای خزانه داری تولید نمیکند و اینکه فرمودند وقایع گذشته ما را وادار میکنند این مسئله در اینجا تهیه کنیم بنده عرض میکنم وقایع گذشته و جلوگیری نشدن از آن بواسطه نبودن قانون نبود بلکه بواسطه بدی اخلاق و حرج و مرج اداری بود بدی اخلاق را هیچوقت قانون جلوگیری نمیکند و بالاخره نمیدانم از اضافه کردن این دو کلمه که صورت ظاهر خیلی شمعش و فشنش بنظر میآید چه چیز است

بنده گمان میکنم نوشتن کلماتی که هیچ مربوط بوظایفی که برای خزانه داری معین میکنیم نیست در یک دم بوقانونی لازم نباشد

**رئیس** - آقای مخبر تقاضا میکنند این پیشنهاد بکمیسیون ارجاع شود

**مخبر** - خیر

**رئیس** - پس باید رأی بگیریم باین توجه بودن این پیشنهاد یک دفعه دیگر قرائت می شود رأی بگیریم

( مجدداً بمضمون فوق قرائت شد )

**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه شد ارجاع میشود بکمیسیون در ماده یازدهم بموجب نظامنامه نمی توانیم رأی بگیریم ماده ۱۲ قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد ) ( اداره محاسبات کل مالیه )

**ماده ۱۲** - اصول وظایف اداره محاسبات کل مالیه بشرح ذیل است

( ۱ ) مرکزیت دادن و نگاهداری کلیه محاسبات مملکت اعم از عایدات و مخارج

( ۲ ) تهیه و تنظیم بودجه کل سالانه برای تقدیم ب مجلس

( ۳ ) تهیه لایحه تفریغ بودجه برای تقدیم به مجلس

( ۴ ) تهیه راپورت سالانه در اوضاع مالیه با تصریح اصلاحات و تکمیلات لازمه برای تقدیم به مجلس

( ۵ ) نگاهداشتن صورت کلیه عایدات که توسط مأمورین و ادارات صاحب جمع دولت بخزانه داریکل پرداخته میشود

( ۶ ) مطالبه صورت محاسبات بیشکاران و امانه مالیه در آخر هر برج

( ۷ ) نگاهداری محاسبه قروض ثابت و جاریه و تمهیدات دولت و تشخیص میزان استهلاك و اقساط سالانه آن

( ۸ ) نظارت در اینکه محللهای تخصیص شده برای پرداخت دیون دولتی بمصرف دیگر نرسد

( ۹ ) تعیین صورت لایحه وظایف و اجرای قوانین متعلقه بآن

( ۱۰ ) صدور قبوض ارباب وظایف

( ۱۱ ) دادن صورت اضافات و موضوعات سالانه و وظایف اداره خزانه

**رئیس** - در فقره اول ماده دوازدهم مخالفی نیست

( اظهاری نشد )

در دوم و سوم و چهارم و پنجم هم مخالفی نیست ( اظهاری نشد )

در فقره ششم هفتم هشتم نهم دهم یازدهم هم که ایرادی نیست پس رأی میکنیم بماده دوازدهم اگر تصویب میفرمایند قیام نمایند ( اغلب از نمایندگان قیام نمودند ) ماده دوازدهم تصویب شد

( ماده سیزدهم باین مضمون قرائت شد ) ( اداره گمرکات )

**ماده ( ۱۳ )** اصول وظایف اداره گمرکات بشرح ذیل است .

( ۱ ) اداره کردن گمرکات موافق قوانین و قراردادهای و نظارت گمرکی

( ۲ ) دادن محاسبات کلیه عایدات گمرکی و صندوق جرایم و مخارج به اداره خزانه در آخر هر برج

( ۳ ) تحویل فاضل عایدات گمرکات و مازاد صندوق جرایم بخزانه

**رئیس** - آقایان در فقره اول این ماده حرفی دارند ( اظهاری نشد ) در فقره دوم بطور

**نظام السلطان** - بنده در وظایف محاسبات کل پیشنهادی کرده بودم که فراموش فرموده اند

**رئیس** - این ماده راجع به گمرکات است راجع به محاسبات نیست ماده دوازدهم راجع باداره محاسبات بود

**نظام السلطان** - پیشنهاد بنده راجع به محاسبات است قبل از اینکه وارد کلیات بشوم بنده فرستادم

**رئیس** - پیشنهادها را باید بفرستید به هیئت رئیسه که در موقع فرصت به کمیسیون فرستاده شود در فقره دوم سوم هم مخالفی نیست ( اظهاری نشد ) رأی میکنیم بماده ( ۱۳ ) آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده چهاردهم قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد ) ( محاکمات مالیه )

**ماده ( ۱۴ )** محکمه مالیه مرکب است از یک نفر رئیس و دو نفر عضو و یک عضو علی البدل

**رئیس** - در ماده چهاردهم هم ایرادی نیست ( اظهاری نشد ) آقایانی که ماده چهاردهم را تصویب میفرمایند قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند و ماده یازدهم اینطور قرائت شد )

**ماده ( ۱۵ )** در محکمه مالیه یک نفر مدعی العموم بسمت نمایندگی دولت خواهد بود و از حیث مقام باریس محکمه مساوی است

**رئیس** - در این ماده ملاحظاتی نیست ( مخالفتی نشد ) آقایانی که ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ولی اگر آقایان اینطور رأی بدهند مشکوک میشود و مطابق نظامنامه مجبور میشویم باورقه رأی بگیریم ماده شانزدهم قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

**ماده ۱۶** - در محکمه محکمه یک دفترخانه خواهد بود مدیر دفترخانه منشی گری محکمه را در عهده داشته و بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت .

**رئیس** - در ماده شانزدهم ایرادی نیست ( اظهاری نشد ) آقایان اگر این ماده را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده هفدهم خوانده میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

**ماده ۱۷** - رئیس و مدعی العموم و اعضاء محکمه مالیه مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود .

**رئیس** - در این ماده گویا مخالفی نیست رأی میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

**ماده ۱۸** - رئیس و مدعی العموم محکمه مالیه بتصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و اعضاء محکمه بان انتخاب و حکم وزیر مالیه معین میشوند .

**رئیس** - آقایانی که ماده هیجدهم را تصویب میکنند قیام نمایند ( غالباً نمایندگان قیام نمودند )

**ماده ۱۹** - مدیر دفترخانه بتصویب رئیس محکمه و حکم وزیر مالیه معین میشود .

**رئیس** - در اینجا گویا مخالفی نیست - اگر آقایان موافقت دارند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**ماده ۲۰** - اجزاء دفترخانه بتصویب مدیر دفترخانه و حکم وزیر مالیه معین میشوند و در تحت نظارت او انجام وظایف مینمایند .

**رئیس** - در اینجا هم گویا اظهاری نیست - آقایانی که ماده بیستم را تصویب میکنند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

( ماده ۲۱ بمضمون ذیل قرائت شد )

**ماده ۲۱** - عضو علی البدل در غیاب یکی از اعضاء محکمه قائم مقام او واقع میشود .

**رئیس** - این ماده را هم اگر آقایان رأی میدهند قیام نمایند ( غالباً قیام نمودند ماده ۲۲ بمضمون ذیل قرائت شد )

**ماده ۲۲** - اجراء احکام محکمه بعهده وزارت مالیه است .

**رئیس** - در این ماده گویا مخالفی نیست - آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( عده زیادی قیام نمودند )

**ماده ۲۳** - در محکمه اکثریت آراء منوط اعتبار است .

**رئیس** - این ماده گویا لازم برای نباشد باوجود این رأی میکنیم اگر تصویب میفرمایند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده ۲۴ خوانده میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

**ماده ۲۴** - مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت بوده و مکلف است که اظهار عقیده نماید ولی در رأی محکمه شراکت نمیکند .

**رئیس** - آقایانی که این ماده را قبول دارند قیام نمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب نشد .

**مخبر** - پس تکلیف این ماده چه خواهد شد

**رئیس** - بنده چه عرض کنم از آقایان سؤال کنید

**ماده ( ۲۵ )** عقیده مدعی العموم در ضمن راپورت محکمه باید مندرج باشد در صورتی که مدعی العموم مشاهده نماید که راپورت محکمه بر خلاف منافع دولتی صادر شده عقیده خود را کتباً بوزیر مالیه تقدیم میکند

**رئیس** - در این ماده هم گویا مخالفی نباشد - آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند ) ماده ۲۶ بمضمون ذیل قرائت شد

**ماده ( ۲۶ )** حقوق محاکمه صدی پنجم مدعی به است که از محکوم علیه اخذ میشود و ب آن مبلغ را در حین دادن عرض حال عارض بصندوق پرداخته قبض صندوق را بر عرض حال خود ضمیمه میکند و وجه مزبور در صورتی که عارض مطابق حکم قطعی محق در آمد باو مسترد میشود

**مخبر** - در شور اول عرض کردم پول پیش گرفتن ضرر نوعی دارد بجهة این که اگر از یک کسی که از تعدیبات یا خلاف ترتیباتی که بیشکاران و امانه مالیه میکنند شکایتی داشته باشند بعد از رسیدگی بشکایات از او حق الزحمه بگیرند این یک مطلبی است ولیکن اگر بخوانند قبلاً از او پول به گیرند گمان میکنند این ترتیب از کلیه شکایات و نظلمات مردم جلوگیری میکند در شور اول هم این مطلب عرض شد نمیدانم چرا آقای مخبر آنرا در کمیسیون محل توجه قرار ندادند و حال آن که باید تمام مقتضیات مملکت در مقام وضع قانون منظور شود البته تصدیق خواهند فرمود که یک نفر بیچاره که یک شکایتی دارد اگر بنده نشاند قبلاً از او پول به گیرند تا بمعرض او برسند مسلماً ضرر حتمی را برای نفع محتمل متحمل نخواهد شد لهذا خوب است این مسئله پول دادن قبل از رسیدگی را از این ماده بردارند

**مخبر** پلی همین طور است که فرمودند مخصوصاً کمیسیون صلاح ندانست این مطلب را قبول کند زیرا این یک چیزی که فقط در ابتدای نظر صحیح و خوب بنظر می آید ولی وقتی درست دقت کنیم معلوم می شود که باین ترتیبی که نوشته شده است بهیچوجه از شکایات متظلمین جلوگیری نمیشود و دلیلی را که آقایان اقامه میکنند میفرمایند باید بدون اینکه قبلاً پولی از عارض گرفته شود احقاق حق او بشود تا اینکه مردم بتوانند شکایات خود را نموده احقاق حق آنها بشود این فرمایشات صحیح است و البته تصدیق خواهند فرمودند که این حس و میل باحقوق مردم در همه کس موجود است ولی همین طور که میخواهیم احقاق حق مردم را بکنیم همینطور هم باید جنبه عملی را منظور داریم و از کثرت میل ظاهری به احقاق حق مردم نباید طوری کنیم که محکمه بهیچوجه موفق نشود که احقاق حق مردم را بکنند البته فراموش فرمودند چنانکه در شور اول عرض کردم محکمه مالیه فقط یک محکمه است آنهم در مرکز و این محکمه مرجع نظلمات تمام اهالی ایران

است اگر آقایان بخوانند مراجعه باین محکمه را خیلی آزاد بگذارند آنوقت این محکمه در مقام عمل بقدری گرفتاری پیدا خواهد کرد که بهیچوجه موفق برسیدگی شکایات مردم نخواهد شد و آنوقت برعکس مقصودی که آقایان دارند عوض این که مردم آسوده و راحت شوند از محکمه مالیه شکایت خواهند کرد که مایک سال یا دو سال است به محکمه مالیه مراجعه نموده ایم و ابداً رسیدگی بکار ما نکرده و جواب رد و قبول هم ما نداده پس باین حال طبعاً مجبور خواهیم بود عارضین را که ممکن است در عرض حال و حقانیت خود چندان دقت وغور نکنند و مقید کنیم بیک قیدی بنده هم تصدیق دارم که از اول نباید قید را زیاد و سنگین کرد که بواسطه سنگینی آن قید عارض قدرت مراجعه بیک مقامی را نداشته باشد ولی بی قیدی را هم بنده صلاح نمیدانم فقط از همان نقطه نظری که آقا فرمودند یعنی حصول احقاق حق مردم لازم است این قید جزئی را در اینجا ذکر کنیم مثلاً یک کسی صد تومان باو تعدی شده است و میخواهد به محکمه مالیه مراجعه کند که احقاق حق او بشود حق محاکمه که از او گرفته میشود پنج تومان است و قانون مقید کرده است عارض را که قبل از دادن عرضه اش دوازده هزار و ده شاهی کربع حق محاکمه است پول بدهد و این پول هم از کیسه او نمیرود زیرا که مطب از دوشق خارج نیست یا اینست که در عرض حال خودش محق میباشد و محکوم نمیشود آنوقت چنانکه در موادی که بعد میآید و ملاحظه میفرمایند تمام پولی را که داده باو پس میدهند یا این است غیر محق و محکوم خواهد شد آنوقت تمام پنج تومان را از او خواهند گرفت فقط چیزی که هست تفاوت در مدتی است که در دادن دوازده هزار و ده شاهی حاصل میشود و آنهم یک مسئله مهمی نیست حالا ممکن است آقایان بفرمایند در صورتی که ایندو نقطه نظر باهم تفاوتی ندارند چرا باید عارض را مقید کنیم که قبلاً دوازده هزار و ده شاهی بدهد در صورتی که اگر محکوم شود تمام پنج تومان را میدهد بنده میتوانم یک جوابی عرض کنم آن اینست آن کسیکه کافد و عرض حال نمینویسد ممکن است درست دقت و فکر نکنند که آیا حقانیت تمام دلائلی را که لازم است برای اثبات حقانیت خود دارا باشد دارا هست یا نه باین واسطه او را مقید کرده ایم که بلاوجه آن کافدی که نمینویسد و برای او اهمیتی ندارد قبلاً دوازده هزار و ده شاهی هم از کیسه خودش پول بدهد و بنده اطمینان میدهم که بهمین جهت عارض قبلاً دقیق خواهد شد در این که به بیند حرفی را که میزند صحیح است یا غلط و بالاخره نتیجه عملی این خواهد بود که یک قسمت اعظم از شکایاتی که هیچ اساس ندارد بواسطه این قید مرتفع میشود و یک محکمه مالیه که برای تمام اهالی مملکت تأسیس میشود بواسطه عدم تراکم کار موفق خواهد شد که احقاق حق عارضین و مظلومین واقعی را بتواند بکند .

**رئیس** - آقای مدرس در اینجا باین اگر پیشنهادی دارید باید کتباً بدهید و چون در موقع پیشنهاد بازم توضیح خواهید داد خوبست پیشنهاد کنید و بعد توضیح بدهید عجله ماده ۲۴ را که تصویب نشد آقای مخبر بطور دیگر نوشته اند قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )



ماده ( ۲۴ ) مدعی العموم در محکمه اظهار عقیده نموده ولی در رأی محکمه شرکت نمیکند

**مخبر** - بنده هرچه فکر کردم جهمتی از برای اینکه در این موافقت حاصل نشد فهمیدم در ماده ( ۱۵ ) آقایان نمایندگان قائل بیک نفر مدعی العموم شدند ولی حالا نمایانم نظرشان چه بوده است که نخواهند برای او تکلیفی معین کنند لابد باید تصور کنیم که فقط بواسطه عبارتی که در اینجا نوشته شده که ( مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت بوده ) نمایندگان محترم رأی نداده اند باین مناسبت بنده عبارت مأمور حفظ منافع دولت را حذف و این پیشنهاد را کردم که مدعی العموم در محکمه اظهار عقیده بنماید ولی در رأی محکمه شرکت ندارد و این نکته را هم عرض میکنم که آقایانی که رأی نمیدهند دقت بفرمایند که اگر قائل بیک مدعی العموم نبودند خوب این عقیده خودشان را در ماده ۱۵ اظهار میکردند ولی پس از آنکه در آنجا اظهاری نکردند ماده ۱۵ تصویب شد و مدعی العموم لازم شد این یک چیز غریبی خواهد بود که ما در قانون برای او وظیفه معین نکنیم

**معدل الدوله** - باین ترتیبی که قرائت شد بنده مخالفم و خیلی تعجب دارم از اینکه ماده خوانده شد و آقایان رأی ندادند گمان میکنم درست عبارت را ملغف و متذکر نشده اند و قفلت شده است والا در این محکمه فقط کسی که میتواند از طرف دولت طرف سؤال و جواب و معاکه واقع شود مدعی العموم است در واقع از طرف دولت برای حفظ حقوق دولت وکالت میکند و بنده هیچ فرقی نمیکند مابین منافع دولت و منافع ملت بواسطه اینکه مایه دولت در واقع همان مایه ملت است که بدست دولت میدهند و وزارت مایه بصارف خود ملت میسراند در این صورت به محض اینکه ذکر شد مدعی العموم حفظ منافع دولت را میکند نباید باین ماده مخالفت کرد و اینجا تصویب نشد باید در جزء نظامنامه هائی که معین میکنند رأی گرفته شود و بنده صریحا عرض میکنم که مدعی العموم چنانچه تصویب شد لازم است و باید حفظ منافع دولت را بکند بواسطه اینکه برای حفظ منافع دولت در این محکمه کسی دیگر را نمیتوانیم تصور کنیم و فقط مدعی العموم است که باید منافع دولت را حفظ کند

**مخبر** - آقای معدل الدوله میدانند تا وقتیکه ماده ۲۴ رد نشده این پیشنهاد را نکردم بهمین جهت هم بنده هم کاملا با جناب عالی موافقم ولی حالا که این ماده بیک جهتی از جهات رد شده است لابد باید یک قسمت آنرا بهر نحوی که شده است بتوان از مجلس گذرانید و هر قدر آن از تصویب مجلس بگذرد بهتر است باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم و الا اگر آن ماده رد نشده بود بنده کاملا موافق بودم و نمیخواستم هیچ چیز از آن ماده حذف شود چون از یکطرف نمایندگان در این ماده ساده رأی نداده اند دیگر نمیشود در آن رأی گرفت و طرفی دیگر اگر یک همچو ماده نباشد و تکلف مدعی العموم معلوم نشود قانون ناقص خواهد بود لهذا آن قسمت آنرا بنده حذف نموده و قسمت دیگر را که باید از اینجا تصویب شود پیشنهاد نموده و ممکن است آن قسمت مجددا در در نظامنامه بیک ترتیبی معین کرد ولی این قسمت را در اینجا رأی گرفت

**رئیس** - آقای منتصر السلطان مخالفین هستند

**رئیس** - این پیشنهاد از طرف نمایندگان نیست آقایان بیک ماده را رد کرده اند و باید آنرا بیک طوری اصلاح کرد بنظر مخبر اینطور رسیده اگر بنظر دیگری میسر میسر بگویند

**منتصر السلطان** - در اینکه وظیفه مدعی العموم حفظ منافع دولت است حرفی نیست حالا اگر اصلاح بدانند این ماده را در کمیسیون اصلاح کنیم و به مجلس تقدیم نمایم اگر هم میخواهند در همین مجلس مذاکره شود

**رئیس** - اگر آقای مخبر تاضا بکنند به کمیسیون میروند

**مخبر** - بلی بکمیسیون رجوع شود

**رئیس** - بکمیسیون ارجاع میشود. پیشنهادی است از آقای مدرس راجع بماده ( ۲۶ ) قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۲۶ چنین نوشته شود - حقوق محاکمه صدی پنج مدعا به است که از محکوم اخذ میشود از برای تجدید نظر حق اخذ نخواهد شد

**مدرس** - در باب فرمایشی که فرمودند عرض کردم اگر ممکن بود هیچ حقی در محاکمه نه قبل از محاکمه و نه بعد از محاکمه از هیچکس نیمگرفتم ولیکن چون مملکت ما استعداد ندارد ناچاریم که در محاکمات چه محاکمات عدلیه باشد چه محاکمات مایه بیک چیزی بگیریم و حالا که قرار شد بیک حقی گرفته شود اگر بعد از ختم محاکمه بگیرند آن بیک مسئله ایست ولی قبل از محاکمه اگر بخواهند از عارض چیزی بگیرند و بعد بشکایت او رسیدگی کنند گمان اینست در همین مصدافی که آقای مخبر فرمودند و مثال به دوازده هزار و دهشاهی زند اغلب از مظلومین اقدام در تظلم و شکایت نمایند و بعد از اینکه متظلمین از بلاد بیده در اینجا آیند و مخارجی میکنند و ملاحظه احوال و اخلاق مأمورین ما که برای امدی مغنی نیست و محل شبهه نیست که اگر اشرفی بدست آنها بدهیم مشکل است از دست آنها پول سیاه بیرون آورد مملکت با متظلمین در واقع تظلم بیک پول بدهند واقعا بیک مسئله غریبی است که قبلا پولی بدهند تا رسیدگی بکار آنها بشود و بعد از آنکه محق در آمدند آن وقت پول را پس بگیرند پس خوب است محضاله بیک ترتیبی برای اینکار داده شود که قبلا پولی از آنها بگیرند تا بعد از رسیدگی و ختم محاکمه و اینکه آقای مخبر فرمودند فقط بیک محکمه مایه مایه مایه مایه مایه بشکایات تمام اهالی مملکت هست بنده عرض میکنم بعد از آنکه در سایر ولایات هم بیک ترتیبی برای رسیدگی به شکایات مردم داده شد گمان اینست که این معظور کمتر شود و در این خصوص بنده موافق عقیده خود پیشنهادی کرده ام دیگر بستمه برای آقایان میباشد

**حاج عز الممالک** - همینطور که آقای مخبر و آقای معدل الدوله توضیح دادند خوب است آقایان حفظ منافع دولت و مملکت را هم در نظر بگیرند آقایان فقط تصور میفرمایند که بیک مالیت بده مظلوم واقع میشود دیگر دقت و فکر نمیکند که اگر ما

این ترتیب را ندیم ممکن است بواسطه عرائضی که بدون جهت بمحکمه مایه داده میشود موافقی برای وصول مالیات پیش بیاید بنده عرض میکنم مالیات مال خود ملت است و برای خرج خود ملت و مملکت داده میشود و همینطور که ما فکر میکنیم نباید بیک نفر مظلوم واقع شود همینطور هم باید شکلی نشود که از برای وصول مالیات متصل اشکالات فراهم آید علاوه در اینجا بیک چیز فوق العاده از عارض خواسته نشده همانطوری که آقای مخبر توضیح دادند در موقعی که عارض میخواهد عرضه بدهد و بگوید بمن ظلم شده است اگر در وقت دادن عرضه هیچ تکلیفی برای وارد نشود هیچ مانعی نخواهد داشت که متصل عرضه بدهد و وزارت مایه را مشغول نماید و از وقتی که این عرضه را میدهد منتظر باشد که این عرضه سیر خودش را بکند و هر وقت هم مطالبه مالیات از او بشود بامورین مایه جواب بدهد که من تظلمی کرده ام تا جواب نرسد و حکم نشود مالیات خودم را نخواهم داد و مسلم است این ترتیب مانع و عائق وصول مالیات میشود و از آنطرف باید فکر کرد که در این قانون هر دو جنبه ملاحظه شده است و از برای ولایات هم در راپورت جدیدی که کمیسیون داده نوشته شده و در ولایات هم بهر ارض مردم رسیدگی میکنند ابتدا در آنجا ذکر نشده است که برای این رسیدگی عارض باید چیزی بدهیم چه تکلیفی برای عارض معین نشده علاوه برای رسیدگی های ابتدائی هم چیزی اخذ نمیشود چنانچه در ماده ۲۸ ذکر شده که در صورتی که پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایات متظلمین نشود میتوانند تقاضای محاکمه نمایند یعنی اگر ببنده ظلمی واقع شد و رفته بدارت تشخیص هایدات و گفتم مالیاتی بمن تحمیل کرده اند و مأمور مایه اضافه بر آنچه اداره تشخیص عایدات معین کرده از من مطالبه کرده و گرفته است ممکن است آنچه را بدون اینکه حقی بدهم بمن رد کنند و همینطور در اغلب اوقات ممکن است بعضی اوقات بوزارت مایه رجوع بکنیم و او هم از ادارات مربوطه سؤال کند معلوم شود که خود ادارات مربوطه بمن ظلم کرده اند و رفع آن ظلم را بنمایند ولی اگر اختلاف مابین اشخاص و اداره مربوطه واقع شد و خواست تقاضای محاکمه نماید آنوقت بان آدم میگویی بنده صدی پنج حق محاکمه را بده و این یک چیز ساده خیلی کوچکی است و آنقدر نباید مردم را آزاد گذاشت و همینطور که باید حق اشخاص را حفظ کرد همینطور هم باید حق دولت را حفظ کرد

**مخبر** - در خصوص مأمورین مایه گفته شد که ممکن است بواسطه بد اخلاقی در حق عارضین ظلم واقع شود اینطوری که تصور میفرمایند نیست علاوه اینجا بیک تنقیدی هم واقع شد که میخواهم بی جواب نباشد و آن راجع بسوه اخلاق مأمورین مایه بود و گمان میکنم مقتضی نباشد نسبت سوء اخلاق بنام مأمورین دولت داده شود و قبل از وقت این مذاکرات بشود چه طور ما می توانیم بگوئیم که تمام مأمورین به اخلاق هستند آقای مدرس در جهاتی که بنده عرض کردم توجه فرمودند فقط اظهار کردند که ممکن است بواسطه بد اخلاقی مأمورین احقاق حق عارضین بعمل نیاید بنده عرض میکنم که بد اخلاقی مأمورین اولاً راجع باین قانون

نست و نهایتاً مربوط بدادن ربع باندادن ربع نخواهد بود اگر بد اخلاق باشد باندادن هم بد اخلاق هستند بنده بیک دلایلی عرض کردم خوب بود مطابق آن دلیل بیک دلایلی میآوردند و دلایل بنده را رد می کردند و الا بعنوان کبایت و میل باحقاق حق نمی شود بیک قانونی را باین درجه توسعه داد و این اصلاحها و پیشنهاد هائی که میشود ممکن است بعضی معایب که تکرار را لازم نمی دانم تولید شود علاوه بیک نکته دیگری میخواهم عرض کنم و آن اینست که ممکن است بیک کسی ادعای خیلی بزرگی بکند بمدادن افسان بنماید آنوقت چه خواهند کرد در صورتیکه ممکن است از این قبیل وقایع خیلی اتفاق بیفتد چنانکه سابق بر این هم در عدلیه از این قبیل وقایع خیلی اتفاق می افتد و اینطوری که نوشته شده است برای اینست که افلا بیک ربع از صدی پنج که حق دولت است قبلاً گرفته شود و اگر محکوم نشد باو پس داده میشود و این هیچ اشکالی ندارد چنانچه در عدلیه هم در موقع دادن عرضحال بیک مبلغی از عارض گرفته میشود

**رئیس** - خاطر آقایان را متذکر میشوم اشخاصی که عضو کمیسیون نیستند بموجب نظامنامه حق نظق ندارند آقایان حاج شیخ اسدالله ناصر الاسلام و نظام السلطان و آقا سید فاضل چون عضو کمیسیون نیستند بموجب نظامنامه حق نظق ندارند

**حاج شیخ اسدالله** - بنده قبلاً اجازه خواستم و داده نشد

**رئیس** - چون مذاکرات را کافی میدانستند این بود که اجازه داده شد

**حاج حسین النجار** - بنده تصور میکنم این محاکمات بجهت رفاه حال متظلمین است و بیانات آقای مخبر این بود که اگر این ترتیب باشد اسباب اشکالات میشود و نسبت به محکمه اسباب زحمت خواهند شد یعنی اگر این وجه را پیش بدهند اسباب این میشود که عارضین زیاد بشوند بنده عرض میکنم وقتی که بنده حق محاکمه صدی پنج گرفته شود اگر عارضین زیاد شدند عوض بیک محکمه دوم محکمه سه محکمه هم ممکن است تشکیل داد و حال اینکه عارضین هم اینقدر بیکار نیستند که از راه دور بیایند و عرضه بدهند و با دادن صدی پنج مزاحم محکمه بشوند علاوه جرائم را هم نباید بیک چشمه هائیدات برای دولت قرار داد

**رئیس** - در این پیشنهاد مذاکرات کافی نیست ( جمعی گفتند کافی است ) رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( همه کتبی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه شد پس دیگر در ماده ۲۶ نمیتوانیم رای بگیریم

**مخبر** - خوب است در اینجا رای گرفته شود کمیسیون تغییر عقیده نخواهد داد

**رئیس** - بموجب نظامنامه در چیزی که پیشنهاد قابل توجه میشود همان روز نمیشود رای گرفت میباید برای روز دیگر ماده ۲۷ قرائت بشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۷ مدعی العموم و مأمورین مایه از دادن خرج محاکمه از هر قبیل که باشد معافند

**عدل الممالک** - در شور اول بنده در اینجا پیشنهاد کردم که مدعی العموم معاف باشد ولی پیشنهادکنندگان و اماناء مایه وقتی معاف باشند که مدعا به بصندوق دولت عاید شده باشد و این پیشنهاد قابل توجه شد بکمیسیون رفت چون این ماده در این خصوص ساکت است لهذا یادآوری میکنم که این مسئله قید شود

**رئیس** - آقای معدل الدوله چون مخبر نیستند ممکن است از ایشان نیابت کنید

**معدل الدوله** - بنده خودم در این ماده با آقای عدل الممالک هم عقیده ام

**رئیس** - پس اگر صلاح میدانند شور دوم را بگذاریم برای جلسه دیگر در این جلسه در ۲۶ ماده رأی داده شده و گویا کافی باشد چنانچه عرض کردم روز یکشنبه که مجلس نشد بنا بود که قانون دغایات بمجلس بیاید و روزه شبیه عرض کرده بودم که در یروگرام آقایان وزراء هم اگر حاضر شد مذاکره میشود این بود که یروگرام و نه قانون دغایات هیچکدام حاضر نشد باین جهت یروگرام موکول بامروز شد البته آقایان موافقت دارند که امروز قرائت و رأی گرفته شود در این باب مخالفی نیست ( گفته شد خبر آقای وزیر امور خارجه لایحه بمضمون ذیل قرائت نمودند ) نظر باظهارات ۲ هفته قبل که البته از خاطر نمایندگان محترم معفو نشده دولت حاضر در یک موقع غیرهائی پس از ملاحظاتی عمیق و جریان اوضاع داخله باחס مشکلات و نقصان و اثاث مقتضیه زیر بار مسئولیت رفته برای خدمت - گذاری حاضر شده در این موقع باستحضار کامل نمایندگان محترم باوضاع کنونی از ذکر این نکته ناگزیر است که در حال حاضر ایران با آن همه موانع و محظورات که سد پیشرفت مقاصد دولت شده اگر احتمال موفقیته تصور شود فقط بوسیله اقتدار حکومت است که رفع محظورات را با جدیت کامل مقدم بشود برای اینکه خطامشی دولت قبلاً معین شده باشد معمولاً باید کابینه یروگرام خود را بتمام مجلس شورای ملی تقدیم دارد نظر باین مقصود کابینه حاضر چون یروگرام کابینه سلف را موافق با نظر خود میداند مصمم است که برطبق آن در آتیه رفتار نماید و چون یروگرام مزبور بتصویب نمایندگان محترم رسیده است لهذا تکرار آنرا در اینجا جایز میدانم ولی برای اینکه کابینه حاضر بتواند موفق باجر اصلاحات و مواهید یروگرامی خود بشود از بیان این بیک فقره خودداری نمی نماید که بواسطه جنک عمومی اروپا تبیین تکلیف سیاست خارجی مملکت ایران فوق العاده مهم و جالب دقت و میتوان گفت موفقیته های آتیه بسته باین سیاست است در این موقع مصالح مملکت ایران چنین اقتضا میکند که از هر نوع اقدامی که منافای مملکت بیطرفی باشد قویاً اجتناب نماید و بنابر این لازم میآید که در شغل باین مقصود از طرف کلیه قوای عامله مملکت موافقت کامل بادولت شده باین کندگی امروزه مرتفع و تمام قوا هم برای مصالح واقعی مملکت مصروف گردد اولین شرط موفقیته در این مقصود اختیاری است که لازمه بیک حکومت مقتدری میباشد که با مساعدت و معیت مجلس شورای ملی در تهیه اسباب و وسائل آن اقدام نماید تا با مساعدت و حسن

ظنی که از طرف مجلس شورای ملی اظهار شده است کابینه حاضر با قلبی قوی و نیتی خالص مستظرفاً باطمینان و اقتداری که از طرف مجلس شورای ملی داراست

در حدود وسائل موجوده در کابینه عالی که برخلاف حفظ بیطرفی مشاهده نمایم جلوگیری کرده و هر گاه اقدامی برخلاف بیطرفی مشاهده نماید معانیت نموده وبالضروره مصالح و منافع مملکتی را محفوظ خواهد داشت و اگر در جریان بیطرفی تا موقع اختتام مخاصمات دول اروپ بعضی مشکلات فوق العاده پیش آمد دولت حاضر مصمم است که با نظریات مجلس شورای ملی در قیصله آن اقدام کند باین احوال در صورت موافقت مجلس شورای ملی با نظریات حکومت و اعتماد و انسی از طرف نمایندگان محترم کابینه امیدوار است که در رفع موانع و محظورات امروزه موفقیته حاصل نماید

**مدرس** - البته معلوم است که در این موقع باید تشکر کنیم که از برای همه موفقیته حاصل است و بیک نکته را لازم میدانم عرض کنم که بیک مسئله از کابینه حاضر ملاحظه شد که بعقیده بنده خیلی جای تشکر است و آن اینست که کابینه های سابق یروگرام هائی داشتند که بمجلس تقدیم میکردند ولی کابینه حاضر بیک متانتی دارند و عقیده کلی آنها موافقت و جلب احساسات مجلس است در کلیه امورات این لایحه که بمنزله یروگرام است قبلاً در مجلس که در اغلب آن بعضی آقایان و در بعضی تمام آقایان حضور داشتند در تحت مشاوره در آمده و مذاکره کردند که توافق کامل بین وزراء و مجلس حاصل شود بجمده الله بعد از مذاکرات و مشاررات زیاد در یروگرام بصورتی که بعضی از آقایان و کلاه با اهتمام آقای حاج امام جمعه سلمه الله یروگرام و راه که این لایحه باشد بمقتضای صلاح مملکت اصلاح و این مسئله حل شد و خیلی باید تشکر کرد و امیدواریم همینطور که عرض کردم با توافق مجلس شورای ملی هیئت دولت موقف شوند بر طبق یروگرام سابق هم نسبت بامور داخله و هم حفظ بیطرفی که امروز مقصود کلیه ماهاست عموماً و خصوصاً موقف شوند و از خداوند توفیق این مسئله را خواهانیم

**سلیمان میرزا** - چنانکه در این یروگرام ذکر شده است هیئت وزراء حالیه یروگرام وزراء سابق را کاملاً منظور داشته و بهمان ترتیب رفتار خواهند فرمود چون سیاست خارجی بیک اندازه در یروگرام سابق مبهم بود در آن خصوص شرحی در این لایحه نوشته اند و همانطوری که در این یروگرام اظهار کرده اند البته موفقیته بسته بتعمین سیاست خارجی است و امروزه سیاست خارجی مملکت ما همان سیاست بیطرفی است که علیحضرت اقدس هدایتی در نطق افتتاحیه خودشان در مجلس اظهار فرمودند و عموم نمایندگان هم در عرضه که حضور علیحضرت هدایتی عرض کردند همین مسئله را تصدیق کردند در واقع عقیده عموم افراد این مملکت هم همین حفظ بیطرفی است نسبت بخارجه هیئت وزرای سابق و اسبق هم همین مسئله را از همه بیشتر طرف توجه قرار داده اند و باین مسئله اقدام خواهند کرد و انصافاً این عقیده که اظهار کرده اند موفقیته بسته به



تعیین همین سیاست است و قابل همه قسم تفسیر است و البته همانطور که ذکر شده باید مسلک بیطرفی را تعقیب کرده و از هر اقدامی که ضد مسلک بیطرفی است باید جلوگیری کنند زیرا که این عین مقصود اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی و در حقیقت افکار عموم ملت است و از شخصی مثل آقای رئیس الوزراء غیر این را نباید انتظار داشت زیرا که شخصاً طرف اعتماد و کلاهستند و در آن جلسه که معرفی شدند وقتی که خودشان فرمودند (اکثریت) اغلب نمایندگان گفتند (اتفاق) پس از یک رئیس الوزرائی که طرف اعتماد اکثریت بلکه طرف اعتماد اتفاق مجلس شورای ملی و افکار عامه است غیر از این نباید منتظر بود و باید در تعقیب ملت بیطرفی سعی کنند و آنچه در خود بیطرفی است کاملاً اقدام کنند و موفق شوند این لایحه که در اینجا ذکر شده است در واقع مختصر مقدمه ایست برای پروگرام کابینه سابق زیرا که پروگرام کابینه حالیه همان پروگرام کابینه سابق است پس این یک مختصر مقدمه ایست که در اجرای پروگرام شرح داده و در اینجا هم چند جمله هست که انصافاً قابل همه قسم تجوید است یکی اینکه در اول لایحه نوشته اند (حکومت مقتدری است که با مساعدت مجلس شورای ملی در تهیه اسباب و وسائل بیطرفی اقدام خواهد کرد) البته چون مجلس شورای ملی و هیئت دولت متفق هستند با اتفاق مملکت را بهتر میتوان حفظ کرد و یکی هم قسمت آخر است که نوشته اند دولت مصمم است در هر مشکلاتی که پیش میاید با نظریات مجلس شورای ملی در فیصله آن اقدام کند پس در اینصورت امیدوار هستیم که در آتی بهیچ اصلاحات موفق شویم زیرا وقتی که هیئت نمایندگان و هیئت دولت متفقا در یک کاری اقدام کنند محققا موفق میشوند.

در این موقع بی مناسبت نمیدانم که بعنوان یادآوری این مسئله را پیشنهاد کنم.

(چنانچه در پروگرام وزراء سابق هم پیشنهاد کرده ام) البته هیئت دولت حاضر در اجرای دو مسئله مهم جد خواهند فرمود اول مالیه است که حقیقتاً مملکتی که مالیه اش اصلاح نشد سایر اصلاحاتش خیلی بتدریج و بطور بطور پیش میرود مجلس هم که مشغول گذرانیدن قانون تشکیلات مالیه است امیدواریم پس از این قانون بخلاف سابق یک مالیه منظم و درستی داشته باشیم که جمع و خرج ما از برای تمام مردم واضح و آشکار باشد و ضمناً هم در فرستادن بودجه ها بمجلس البته اقدام خواهند کرد که زودتر اصلاح شود و البته بعد از فرستادن بودجه ها لابد راجع بنظمیه و ژاندارمری که امنیت مملکتی بواسطه این دو قوه صورت می پذیرد یک توجهی خواهند فرمود که در باب حقوق عقب افتاده آنها و ترتیبات دیگری که برای اصلاحات و توسعه آنها لازم است البته اقداماتی نموده و بمجلس پیشنهاد خواهند فرمود انشاءالله با اتفاق مجلس کاملاً موفق به پیشرفت این مقاصد خواهند شد (جمعی تصدیق کردند)

**ناصر الاسلام** - همینطور که آقای مدرس و شاهزاده سلیمان میرزا اظهار کردند دولت در این لایحه در حفظ مسلک بیطرفی اهمیت جدی داده است و در نظر دارم که در کابینه های قبل اگر اظهاری از

طرف بعضی نمایندگان شد در این زمینه بود که در موضوع بیطرفی باختصار پرداخته و مبسوطاً وارد تفصیل نشده بودند خوشبختانه در اینجا می بینم هیئت دولت حفظ بی طرفی را با یک اهمیتی در نظر گرفته است و تصمیمات قطعی از برای حفظ بی طرفی نموده و با تشکیل یک هیئت مقتدری که آن اقتدار بر حفظ بیطرفی صرف خواهد شد بمعاذت مجلس شورای ملی که بگانه تکیه گاه هیئت دولت است متوسل شده اند خیلی خوشوقتیم که امروز هیئت دولت راجع باین تصمیم که از طرف ذات ملوکانه اعلیحضرت اقدس همایونی اعلان و از طرف نمایندگان تصدیق شده است با یک نظر اهمیت وجدیتی نگاه میکنند مخصوصاً در این مقدمه در چند مورد دولت حاضر باستظهار مجلس اظهار امیدواری میکنند و باید خوشوقت شد که امروز هیئت دولت مجلس شورای ملی را که نماینده ملت است و احساسات عمومی در اظهارات نمایندگان معین می شود تکیه گاه خودش می دانند و به تحقیق میدانم اگر دولتی بخواهد باین تصمیم موفق شود که (تقریباً) اگر خدای نخواست در این تصمیم تزلزلی پیدا شود استقلال و حیات ما متزلزل است) بدون مینت مجلس و نمایندگان هیچ ممکن نیست بتواند یک قدم برای پیشرفت این مقصود بردارد بنده با پروگرامی که هیئت دولت بمجلس تقدیم کرده که پروگرام هیئت سابق است کاملاً موافقم و معتقدم که از طرف نمایندگان در مقدس شدن مسلک بیطرفی اظهار شده است مستظهر و امیدوار هستم هیئت دولت حاضر همین طور که امروز این لایحه را بمجلس تقدیم کرده و همینطور لایحه های دیگر در مجلس شورای ملی قرائت کنند و نمایندگان هم بواسطه جدیتی که در هیئت دولت می بینند بیشتر بر اعتمادشان افزوده شود.

**ارباب کیهن خور** - وقتی که بنده اجازه نواستم بعضی نظریات داشتم و آقایان یک قسمت و بلکه بیشتر آن را اظهار فرمودند و در ابتدای این لایحه یا بیان نامه که مقدمه پروگرام است موقع رافوق العاده قرار داده اند گویا هیچ جای شبهه نباشد که موقع خیلی فوق العاده است و همین مسئله مجلس را وادار کرد که کابینه فوق العاده تشکیل بدهد که آن کابینه فوق العاده بتواند در موقع فوق العاده برای مملکت و ملت استفاده فوق العاده بنماید و همیشه اشخاص که یک سعادت فوق العاده برای خود ذخیره کرده اند در مواقع فوق العاده بوده موقع فوق العاده است و کابینه فوق العاده و ذخیره کردن سعادت فوق العاده بسته بتوجهات خود آقایان وزراء هست که تا چه درجه موفقیت حاصل کنند و اما در موضوع پروگرام چون هیئت حاضر پروگرام کابینه سابق که کابینه آقای مشیرالدوله باشد قبول فرموده اند و مخصوصاً شاهزاده سلیمان میرزا بدو مسئله تکیه کردند بنده لازم میدانم این دو مسئله را که در پروگرام کابینه سابق ذکر شده بود ( و شاید در بعضی نظرها محو شده باشد) بخوانم تا بدانند این کابینه وقتی که آن پروگرام را قبول کرد عین آن مواد را قبول کرده از لا راجع بداخله پروگرام سابق مینویسد (اول) حفظ و وقایه امنیت و تشدید مبانی آن (۱) مصونیت اداره ژاندارمری و نظمی از

هر گونه خللی که با اساس آن سکنه وارد آورد (۲) جهد ببلغ در تحصیل وسائل که باهوشون و استحکام ادارات مزبور بوده موجب توسعه اداران مذکور بشود - مثلاً مالیه راهم در آنجا اینطور تصریح کرده است تشکیلات اساسی وزارت مالیه در مرکز و ولایات موافق اصول ذیل است (۱) برقراری تمام ادارات مالیه در تحت ریاست وزیر مالیه (۲) تقسیم اختیارات مابین وزیر مال و ادارات وزارت مالیه بنحویکه از جمع تمام اختیارات در یکجا احتراز شود و از طرف دیگر تقسیم طوری باشد که جریان امور دچار موانع اداره نشده اصلاحات لازمه و تصمیمات قانونی دولت با سرعت مقتضی بوقع اجرا گذارده شود. (۳) تعیین مرجعی برای نظارت مردم از ادارات مالیه تا جلوگیری لازم از زیاد رویهای ممکن الوقوع بعمل آید (۴) رعایت نظر اقتصادی در تشکیلات اساسی مالیه تا حدی که خللی با اساس تشکیلات وارد نیاید پس بنابراین هر دو نظر را کابینه حاضر تصدیق کرده و پروگرام خود را عین همان پروگرام سابق قرار داده است فقط اقلیت دولت آنچیز را که برای مزید کامرانی خود در پیشرفت اجرای مواد این پروگرام حس کرده است موافقت نمایندگان ملت است و گمان میکنم نمایندگان هم همین مسئله را حس کرده اند که باید با دولت موافقت کامل بکنند یعنی چون برای مملکت صلاح است ملت و دولت باید متفق شوند تا کابیه مطالب پیشرفت کند بهترین نمایش که نمایندگان برای اظهار موافقت دادند در جلسه اولی بود که آقای رئیس الوزراه تشریف آوردند پشت همین میز نطق و خواستند اظهار کنند که من باستظهار و اعتماد اکثریت مجلس اینجا آمده ام و قبول مسئولیت مینمایم) نمایندگان بی اختیار فریاد کردند (باعتماد و اتفاق مجلس) و این بهترین نمایش بود که ممکن بود نمایندگان بدهند حالا وقتی که اینطور از طرفین حس شده است آن گمان میکنم هیچ محظوری برای دولت نیست و آن قدرتی را که تصور کرده است برای پیشرفت این مواد از مجلس بخواهد و البته با موافقت مجلس میتواند موفق شود اکنون پس از اظهار تشکر مقدمائی نسبت بقبول این زحمت متذکر میشوم که موقع انتظاری دیگر برای ملت و نمایندگان ملت باقی است و آن وقتی است که بتوانند از موفقیت های هیئت دولت در بروز خدمت بمملکت و ملت خشنود شده باشند تا به تبریک و تشکرات کلی بپردازند **رئیس** - دیگر کسی اجازه نطق نخواست است گویا مذاکرات کافی باشد **رئیس الوزراء** - میتوانم باینک قلبی ملولان صمیمیت تشکرات خود را هم از جانب خود هم از طرف هیئت دولت بمجلس شورای ملی تقدیم کنیم از این بیاناتی که امروز فرمودند بیشتر بر امیدواری شخص بنده و هیئت دولت افزوده شد بر واضح است که هیئت دولت کاری نمیتواند بکند مگر با همراهی و مساعدت مجلس شورای ملی و این مسئله برای هیئت دولت اولین شرط است و میتوانم بگویم امروز یک

خوش بختی است برای ملت که هیئت دولت نمایندگان ملت برای مصالح و منافع امور مملکتی هم رأی و هم عقیده نمایند و امیدواریم انشاءالله بافضل خداوند بوجه احسن باین مقصود نائل شویم (جمعی گفتند انشاءالله) و بطوری که منظور نظرس هیئت دولت است البته کاملاً از هر جزئی و کلی با مجلس مقدس شورای ملی و نظریات نمایندگان در پیشرفت کار اقدامات خواهد نمود و هیچ نظری ندارد مگر آسایش مملکت و حفظ بیطرفی و خوب میدانند که این مسئله یکی از مسائل مهم است و هر قدر بیطرفی ما امروز بماند منافع ما بیشتر محفوظ خواهد بود پس در اینصورت امیدواریم با همان موافقت و همراهی مجلس مقدس هیئت دولت و نمایندگان محترم همه جا دوش بدوش بروند تا باین ترتیب مشکلات از پیش برداشته شود (آری با اتفاق جهان میتوان گرفت) انشاءالله تعالی در مسئله پروگرام سابق هم که معلوم است خوب ملتفت شده اند که دولت حاضر همان پروگرام سابق را قبول کرده و برای اجرائیات آن حاضر شده است و البته بعضی مطالب هست که از تمام مطالب مقدم تر است از جمله مسئله مالیه زیرا میدانستیم تا مالیه مملکت درست نشود سایر کارها درست نخواهد شد امیدواریم انشاءالله نمایندگان محترم هم باین مسئله بیشتر اهمیت بدهند و همینطور مسئله امنیت مسلم است امنیت یک چیزی است که حاضر میکنند و اگر در مملکت امنیت نباشد هیچ هم قسم دولت را برای نتیجه گرفتن در مصالح مملکتی چیز نخواهد بود این هم حاصل نمیشود مگر با سبب و اسبابی که امروز بر آن امنیت مملکت داریم فقط ژاندارمری است و البته باید دولت هر قدر بتواند سعی کند که ژاندارمری را تقویت کرده و توسعه بدهد در حقوق سال گذشته آنهم قراردادی شده است در آتی هم بسته بگذشتن قانون تشکیلات مالیه از مجلس و تدارک کردن یک محل صحیحی است برای آنها و امیدواریم در اینباب بزودی ترتیبی فراهم شود که بکلی از این حیث آسوده و همه روز اسباب زحمت نباشد و همینطور نظمی مملکت و امیدوارم با اتفاق تمام کلیه این مقاصد حاصل شود حالا تمنی میکنم همانطور که نسبت به شخص من که آن همه اظهار لطف فرموده اند نسبت بکابینه هم رای اعتماد مجلس شورای ملی و نمایندگان محترم معلوم شود **رئیس** - سابق وقتی که پروگرام به مجلس میامد در موادش رای میگرفتیم ولی چون این دفعه موادی ندارد و آن پروگرام را که قبول فرموده اند ماده بساده رای گرفته شده است و گذشته است و بطور کلی رای گرفته میشود **رئیس الوزراه** - این رای باورقه گرفته شود بهتر است **رئیس** - آقای وزیر الوزراه تقاضا میفرمایند که رای باورقه گرفته شود اول رای میگیریم که با ورقه رای گرفته شود یا خیر اگر تصدیق میفرمایند که باورقه رای گرفته شود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - پس باورقه رای میگیریم آقایانی

کرای میدهند ورقه سفید آقایانی که رای نمیدهند ورقه کبود خواهند داد (در این موقع ورقه های منتشره آقای میرزا محمد علیخان نماینده همدان شروع بخواندن آراء کردند و بنحویکه ذیلاً مندرج است نتیجه شد) (عده اوراق) ۶۶ ورقه سفید با امضاء ( ۶۲ ) ورقه سفید بدون امضاء ( ۴ ) ( اسامی آقایانی که رای داده اند از قرار ذیل است ) سلیمان میرزا - ارباب کیخسرو - میرزا محمد علیخان نماینده همدان - سردار سعید - حاج میرزا اسدالله خان - حاج میرزا حسین - مرآت السلطنه - محمد هاشم میرزا - عماد السلطنه - حاج شیخ اسمعیل - آقا سید حسین کزازی - میرزا ظاهر متولی آصف الممالک - میرزا سلیمان - خان باباخان - منتصر السلطان - حاج سید اسدالله - آقا شیخ یحیی - شیخ الملک - مدلل الدوله - حاج عز الممالک - اهراز السلطنه - نجف قلی میرزا - حاج میرزا حسین خان نائینی - دکتر حسینقلیخان - معتمد السلطنه - ناصر الملک - امیر مؤید - شریعتدار طباطبائی - سردار معتمد مدحت السلطنه - میرزا قاسم خان یزمری - مدرس - سردار معظم خراسانی - آقا شیخ محمد جواد - صدر الممالک - میرزا محمد نجات - آقا شیخ محمد حسین استرآبادی - عدل الملک - آقا شیخ محمد نجفی - صدر الملک - حاج شیخ حبیبالله - موید الاسلام - حاج سید محمد حسن گروسی - معین التجار - حاج شیخ اسدالله - میرزا محمد علیخان نماینده بوشهر - حاج میرزا علیرضا - حاج سید رضا فیروزآبادی - آقا میرزا ظاهر تنکابنی - ناصر الاسلام - سلطان العلماء - سیدامانالله حاج شیخ یوسف - حاج امام جمعه سید اسدالله قزوینی - حاج شیخ محمد حسین یزدی آقا سید فاضل - فرج الله خان - سردار معظم - حاج میرزا فضلعلی آقا - حاج مهدی الدوله **رئیس** آقایان با اتفاق اظهار اعتماد کرده اند پیشنهادی است از طرف وزارت مالیه قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد) مجلس مقدس شورای ملی - چون تا وقتی که قانون تشکیلات اساسی وزارت مالیه از مجلس نگذشته و بوقع اجراء گذاشته نشده است وجود کمیسیون نظارت و تقشیش دروزارت مالیه لازم است لهذا ماده واحده ذیل را پیشنهاد و بقوریت تصویب آن را تقاضا میکند ماده واحده - مدت مأموریت کمیسیون مذکور در ماده دوم قانون ( ۲۶ ) حوت تا بیست روز بعد از گذشتن تشکیلات اساسی وزارت مالیه از مجلس با همان ترتیبات و وظایفی که در قانون مزبور مقرر شده است تمدید میشود **رئیس** - مخبر کمیسیون قوانین مالیه گویا این پیشنهاد را دیده اند **عبدالحسین خان سردار معظم** - بلی بنده دیده و قبول هم کرده ام **رئیس** عجلتاً باید در فوریت آن رای بگیریم آقایانی که فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) **رئیس** - فوریت تصویب شد حالا تقاضا میفرمایند برود بکمیسیون یا در خود مجلس رسیدگی شود **وزیر مالیه** - چون فوریت دارد اگر بکمیسیون برود طول میکشد **رئیس** - پس بکرای دیگر باید بگیریم که در خود

مجلس رسیدگی شود با پرود بکمیسیون آقایانی که تصویب میکنند در خود مجلس رسیدگی شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد - مجدداً قرائت میشود (بعضون فوق قرائت شد) **رئیس** - مخالفی هست **محمد هاشم میرزا** - بنده تصور میکنم آنچیزیکه قائم مقام این کمیسیون خواهد شد کمیسیون تطبیق حوالجات است لهذا باید مقید کرد که با انتخاب آن کمیسیون والا ممکن است قانون تشکیلات مالیه بگذرد و کمیسیون تطبیق حوالجات نباشد آنوقت چیزی نیست قائم مقام آن کمیسیون بشود بنابراین این اگر نوشته شود تا بعد از تعیین کمیسیون تطبیق حوالجات بهتر است **وزیر مالیه** - مدت بیست روزی که بنده پیشنهاد کردم محض این بود که در این مدت مشخص کمیسیون تطبیق حوالجات معین شود ولی معهداً با پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا مخالف نیستم اینطور هم نوشته شود ضرر ندارد ولی بنده خیال کردم اگر وقت معین نکنیم اسباب اشکال میشود باین جهت بست روز قرارداد ما باین تقاضا موافقم **مخبر** - بعقیده بنده همانطوری که در پیشنهاد دولت ذکر شده محدود بوقت باشد البته بهتر است بجهت اینکه اگر محدود بوقت نباشد ممکن است ترتیبی پیش بیاید که قانون تشکیلات مالیه بگذرد و آن قسمت راجع بکمیسیون تطبیق حوالجات اجرا نشود آنوقت اینجا رای خواهیم داد تا وقتیکه که کمیسیون تطبیق حوالجات متعقد نشده است این کمیسیون در عمل باشد بلی چنانچه عرض کردم ممکن است کمیسیون حوالجات تشکیل نشود اگر مجلس شورای ملی بداند که این کمیسیون دائمی است شاید مقید باشد که یک وظایفی برای آن معین کند و یا از حیث عده تغییراتی در این کمیسیون قائل شود ولی نظر مجلس باین است که کمیسیون تطبیق حوالجات با یک عده معین و وظایف معین تأسیس شود و باید مجلس کاملاً با نظر وزیر مالیه موافقت کند چون بعد از گذشتن قانون تشکیلات از مجلس البته یک مدتی وقت هم لازم خواهد بود تا دولت یا نازده نفر معین کند و به مجلس پیشنهاد نماید تا مجلس از میان آنها پنج نفر معین کند پس در اینصورت همان بیست روز که وقت معین شد است کافی است و همان پیشنهاد دولت خیلی خیلی بهتر است **محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم در پیشنهاد دولت نوشته ( ۲۰ ) روز پس از گذشتن قانون تشکیلات هیچ مدت معین ندارد و خوب نیست چنانچه در قانون ۲۶ حوت هم تصور کردیم که تا یکماه خواهد گذشت و یکماه وقت معین کردیم باز محتاج برای دادن در ( ۲۶ ) حمل شدیم و حالا هم باز مجدداً محتاج باین پیشنهاد شده ایم بنده تصور میکنم اگر نوشته شود پس از تشکیل کمیسیون تطبیق حوالجات که قائم مقام این کمیسیون است بهتر است تصور نفرمائید که بنده با وجود این کمیسیون مخالف مخالف نیستم می دانم محتاج باین کمیسیون موقتی هم هستیم ولی نه اینکه هر چند روز یکمرتبه یک پیشنهادی از نو بشود و چنانچه ملاحظه فرموده اید همان اشکالات که پیش آمده است باز هم



فراهم شود عقیدام اینست همانطوری که عرض کردم نوشته شود تا زمانی که کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل میشود بهتر است و برای خودم باقی هستم و بفرمایند آقای مخبر قانع نادم .

رئیس - قانع نشدید پیشهاد کنیدی رأی بگیریم .  
مخبر - تصور میکنم مدت دارد منظور میفرمائید مدت ندارد اینجا نوشته شده است (۲۰) روز پس از گذشتن قانون تشکیلات مالبه پس بیک وقتی محدود کرده است اینکه میگویند شاید بگذرد این بسته باهتام خودشان است که جدید بفرمایند تا قانون تشکیلات زودتر از مجلس بگذرد پس بجبهاتی که نمیخواهم تکرار کنم عرض میکنم همینطوری که نوشته شده است و مدت را تا (۲۰) روز پس از گذشتن قانون تشکیلات از مجلس محدود کرده است بهتر است والا اگر بتشکیل کمیسیون تطبیق حوالجات موکول کنند ممکن است مانعی برای تشکیل کمیسیون پیدا شود و بیک جهات خصوصی کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل نشود آنوقت آن سه نفر برای پشیمت غیر معینی باید مشغول کار باشند پس در اینصورت بهمین مدتی که محدود شده بهتر است و بیست روز هم برای اینست که کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل شود .

رئیس - پیشهاد قرائت میشود و رأی میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد) .  
بنده پیشهاد میکنم که نوشته شود بعد از تعیین کمیسیون تطبیق حوالجات

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن پیشهاد آقای محمدشاه میرزا آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (عده قبللی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - عین ماده قرائت می شود .  
(مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایانی که عین ماده دولت را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد .

رئیس - آقای سلیمان میرزا از آقای وزیر امور خارجه سؤالی داشتند گویا قبلا از مضمون سؤال ایشانرا مسبق کرده اند .

وزیر امور خارجه - بلی بفرمایند تا جواب عرض کنم .  
سلیمان میرزا - البته همه و کلاه نماینده ملت و نماینده همه جا هستند لیکن چون بنده از اصفهان انتخاب شده ام میخواستم راجع بیک اتفاق بدی که در آنجا واقع شده از آقای وزیر امور خارجه سؤالی بنمایم از قرار اطلاعی که رسیده گویا در سه شب قبل بیک اتفاق بدی در آنجا رخ داده و ویس قونسول دولت بهیه روس رامقتول نموده اند از آقای وزیر امور خارجه سؤال مینمایم که آیا این اتفاق ناگوار صدق است و در این خصوص چه اطلاعی دارند در صورتی که صدق است چه اقدامی نموده اند .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله از وزیر داخله و وزیر مالیه راجع بسکه های نیکل سؤالی داشتند آقایان برای جواب حاضر هستند  
وزیر داخله - در جلسه دیگر جوابم را خواهم کرد  
رئیس - آقای حاج شیخ یوسف واجح بریریه مسبو مراد گویا از آقای وزیر مالیه سؤالی دارند  
حاج شیخ یوسف - از جمله مسائلی که در مملکت ما لاینحل شده است یکی مسئله خزانه داری است بنده تقریباً هشت ماه است که در جراید محلی خودمان میخوانم که فلان کمیسیون برای رسیدگی بجهت خزانه داری تشکیل شده است گاهی می بینم این مسئله در جراید طلوع می کند که در این باب مذاکرات زیاد میشود که دولت فلان اقدام را کرده و بعضی اوقات می بینم خاموش میشوند بنده تصور میکردم که واقعا در اینمدت وزارت مالیه مشغول تحصیل صورت حساب خزانه دار است ولی متأسفانه دیروز در بعضی جراید محلی مشاهده کردم که ریضه مسبو مراد خزانه دار سابق بوزیر مالیه مینویسد و در آن اظهاراتی میکند و میگوید که در اینمدت که من از خزانه داری مستعفی شده ام مکرر از وزرای مالیه سابق تا بجا که شما وزیر مالیه چهارم هستید مکرر استرحام کرده ام که صورت محاسبات مرا در بیات دارید کسی تا بجا گوش بجز من نداده است و گمان میکنم مسبو مراد بکنه رادر نظر گرفته است و آن نکته اینست که گمان کرده است احساسات و تنفر مردم را بوسیله این تصور کافذها و غیره میتوانه رفع کند و ضمناً تصمیم را بگردن دولت میاندازد و میخواهد بگوید دولت تصمیم دارد که صورت محاسبه مرا دریافت نمیکند و من هیچ مسئولیتی ندارم اینست که بنده از آقای وزیر مالیه سؤال میکنم اگر اینمطلب صحیح است بفرمائید اگر صحیح نیست معجلابحساب این آقایانی که فرشتگان آسمان مملکت اروپا هستند و کاملاً خودشانرا در اینگونه امور بی تصمیم میداند و گمان میکنند بیک خدمت خوبی کرده اند رسیدگی کنند شاید انشاءالله زودتر تشریف ببرند  
وزیر مالیه - بنده هیچ لازم نمیدانم که در اینموضوع از وزرای سابق دفاع کنم فقط میتوانم عرض کنم هر کس با کسی حسابی دارد می تواند بنویسد و ببرد بنده هیچ معقول نمیدانم که بیک صاحب حسابی طرفش حساب را ببرد و به آورد کند پس باین دلیل میتوانم بگویم یا حساب را نوشته اند و با وسائل نوشتن حساب فراهم نبوده در این چند روزه که بنده در وزارت مالیه هستم قبل از آنکه آن رفقا مفصل مسبو مراد ببنده برسد تا کیدات در نوشتن حساب کردم یک نفر را خودم و تقاضا کرد که در پیش دست او برای نوشتن حسابش بگذارم گذاشتم و مخصوصاً چند روز قبل او را خواستم و مذاکرات مفصل در ترتیب حساب با او کردم بالاخره این طور صلاح دیدم آن محلی که نوشته بود حساب مینویست چون از حوزه وزارت مالیه دور بود و شاید لازم بود بعضی اسنادی را بخواهد و تحصیل اطلاعات بکند و فاصله اش دور بود و طول میکشید گفتن نزدیک باطابق وزارت مالیه بیک اطابق برای او معین کنند و سه نفر نویسنده از اشخاصی که خودش تقاضا کرده بود برای معین کردم که حساب او را بنویسند و تمام کنند بیکال او ذیل را تمام کردند سال مارس میل را هم مشغول شدند اگر

اگر آن هفت نفر را هم که در چنددی قبل مجلس شورایی تصویب کردیم بحساب مسبو مراد رسیدگی کنند آن کمیسیون هم حاضر شوند و حالش را به بینند گمان می کنم آنقدرها طولی نداشته باشد بجهت اینکه اجراء و لوازم کار را بنده خوب فراهم آورده ام اگر از طرف آن کمیسیون هم اقدامی بشود گمان میکنم در مدت قلیلی این حساب تمام شود

وزیر امور خارجه - در مسئله حساب مسبو مراد بنده زائد نمیدانم چند کلمه عرض کنم اولاً خاطر آقایان مسبق است که دو سال ونیم مسبو مراد در خزانه داری مشغول عمل بود و چنددی هم مستر شوستر مشغول کار بود هیئت دولت سابق که در تحت ریاست آقای مستوفی الممالک تشکیل شده بود کمیسینی برای اینکار تشکیل دادند و آنها را مامور کردند که حساب سه ساله خزانه را یعنی از زمان ریاست مستر شوستر و دو سال ونیم هم حساب مسبو مراد را رسیدگی نمایند این کار ولیکن چون لازم بود که مسبو مراد حساب خودش را حاضر کرده باشد تا بآن کمیسیون داده شود حاضر نکرده بود مسبو مراد مشغول تدارک حساب شد و همانطوری که آقای وزیر فرمودند بیک مقداری از حساب مسبو مراد حاضر شده نه اینست که در اینمدت بکلی حساب او حاضر نشده باشد ولی آن اوقات شاید بعضیها تقاضا می کردند که مسبو مراد حساب خودش را بطور کلی بدهد ولیکن کابینه آقای مستوفی الممالک که بنده در آن هیئت وزیر مالیه بودم باین عقیده نبودند و میخواستند صورت حسابی که مسبو مراد میدهد قدری جامع باشد یعنی حسابهای هم راجع بولایات و ایالات بود بدهد یعنی کل حساب مملکت را تهیه کنند و بدولت بدهند که هم از برای بودجه های آتی و محاسبات آتی و هم برای اداره تشخیص عایدات در آتی بیک کمکی باشد و باین واسطه بیک مقداری که در مرکز بوده جمع آوری کردند و آنچه راجع بولایات بود تملکات شده که بزودی بفرستند بهر حال بیکسال ونیم حساب خرج را تعیین کرد یعنی مقدار خرج را تقریباً تدارک کرده بود و بیکمقداری از جمع باقی مانده بود که در این کاغذ خودش ملاحظه میفرمایند نوشته شده است و اینکه در این اواخر قدری تاخیر شده بود این بود که اجزائی را که مسبو مراد در برای کار خودش میخواست آن اجزاء دارای مشاغل بودند که در تمام روز در تمام مدت نمیتوانستند باین کار رسیدگی کنند و اگر چنانچه میخواستند باین کار رسیدگی کنند از آن کارهای مهمی که بآنها تفویض شده بود باز میماندند این بود که بنده ترتیبی دادم که در روزهای تمطیل و در روزهای غیر تمطیل هم چند شاهی که مزاحم کار اداری آن اشخاص نباشد حاضر شوند و کمک کنند که زودتر حساب مسبو مراد تمام شود معلوم میشود در این اوضاع و تظییراتی که پیدا شده است آنطوری که باید اشخاص مراقبت بکنند نکرده اند یعنی کارهای اداری دیگر داشته اند که مانع از آن اقدام شده باشد باین واسطه از وزیر مالیه حالبه تقاضا کرده بود چند نفری معین شود و حساب او را بنویسند و همچنین وزیر مختار بلژیک هم پیش بنده بود و خواهش میکرد که این کار بشود و تقاضایش این بود که وزیر مالیه چهار

نفری معین کنند که تمام مدت روز بدون اشتغال بکار دیگر مراقبت بکنند و باقیمانده حساب مسبو مراد را تمام کنند و مطابق قول خودش اگر باین ترتیب که تقاضا کرده است رفتار شود و مشغول کار باشند تصور میکنم در ظرف پنج شش هفته این حساب تمام شود معلوم است اگر تمام حساب او باقیمانده بود چند هفته کفایت نمیکرد باین واسطه تصور میکنم در باب حساب مسبو مراد نگرانی نداشته باشم  
رئیس - آقای معتمد السلطنه از آقای وزیر مالیه سؤالی داشتند ابلاغ هم شده است حاضر جواب هستند یا خیر .

وزیر مالیه - بله حاضرم .  
معتمد السلطنه - بطوریکه خاطر محترم نمایندگان مستحضر است پس از نسخ قانون ۲۳ جزوا مجلس تصویب کرد که بیک کمیسیون سه نفری در وزارت مالیه تشکیل شود و تمام وجوهی که پرداخته میشود آنها تصدیق کنند بعد بامضای وزیر مالیه برسد آنوقت پس از آن تصدیق و امضاء خزانه داری آنوجه را با اشخاصی که لازم است بپردازد و موافق اطلاعاتی که بنده دارم در این چند روزه خزانه داری بیک مبلغی را بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزیر مالیه پرداخته است و صورت آن از اینقرار است .

در وجه مسبو مراد ۵۰۰۰ تومان - در وجه مسبو بوطن ۶۷۵ تومان جیره دکر کر ۷۵ تومان جیره لروا ۵۰ تومان - حقوق نهادیل با خرج سفر ۳۶۰ تومان - مخارج متفرقه خزانه داری ۱۰۹۵ تومان محصلین ۴۱۲۵ تومان - کرایه منزل لروا ۳۰ تومان - وظایف اروپائیان ۲۰۵۰ تومان مخارج چراغانی ۴۰ تومان - در وجه پاکه ۲۹۲۵ تومان - در وجه بطرز ۲۰۰ تومان - در وجه مراسم ۱۰۰۰ تومان که کلیه پانزده هزار دوست و هشتاد تومان است و این مبلغ را تعویلهدار بدون اطلاع کمیسیون سه نفری و بدون امضای وزیر مالیه پرداخته و بعلاوه بیست هزار تومان دیگر هم بنده شنیده ام باز بهمین ترتیب در خزانه داری بدون اطلاع کمیسیون و امضای وزیر مالیه پرداخته شده است چون ناظر در اجراء قانون مجلس شورایی است بنده از آقای وزیر مالیه سؤال میکنم که آیا این ترتیبیها را تصدیق میفرمائید یا خیر اگر تصدیق میفرمائید چه تصبیهی برای جلوگیری این ترتیبیها فرموده اید

وزیر مالیه - بنده فرمایشاتی را که نماینده محترم فرمودند تصدیق دارم و بهمین ترتیب که فرمودند واقع شده است ولی این مسئله قبل از آن بوده است که بنده در وزارت مالیه بروم روز دوم که بنده بوزارت مالیه رفتم این مطالب را مطلع شدم که همچو وجوهی پرداخته شده یا میشود از مسبو شلر که آنوقت تعویلهدار و رئیس صندوق بوده سؤالی کردم گفت این همچو وجوهی را نیز داشته ام و همچنین از اداره مالیات تهران سؤال کردم و نوشتم اگر اینطور وجوه را بدون امضای کمیسیون وزارت مالیه بپردازند بی جاست و بسبو هنس هم نوشتم مسبو هنس هم بیک جواب مفصلی بمن نوشته است و پرداخت این وجوه را بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزارت مالیه بیک جهاتی متعذر شده است بنده در جواب او چیزی که لازم بوده نوشته و قدغن سخت

رئیس - آقای ارباب کبکچسرو سؤالی حضرت عالی هم راجع بهمین موضوع بود .  
ارباب کبکچسرو - بله راجع بهمین مطلب بود که آقای معتمد السلطنه بیان کردند بنده از وزیر مالیه سؤال میکنم که آیا بهمین اکتفا میکنند که قدغن کرده اند بعد از این حرکات نکنند یا این که بیک کسی که خودسرانه بیکمقداری از مال دولت برداشته بدیگران داده است تعقیب خواهند فرمود که از روی چه ترتیبی این خلاف را کرده اند و واقعا از روی چه مأخذی بوده است ؟  
وزیر مالیه - اینکه عرض کرده ام نوشته ام وصحت تأدیبه این وجوه را هم تصدیق نکرده ام مسلم است که این مسئله را هم تعقیب کرده ام و اقدام نداشته ام که این وجوه را بآن دلیل که او اقامه میکند بدون تصویب کمیسیون و بدون اجازه وزارت مالیه داده باشد و در تعقیب آن باندازه که مقتضی است البته اقدامات شده و میشود .  
رئیس - چون مطلب دیگری در دستور نیست اگر آقایان موافق باشند جلسه بماند برای روز شنبه دستور آنهم شور دوم در بقیه قانون تشکیلات مالیه خواهد بود .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله از وزیر داخله و وزیر مالیه راجع بسکه های نیکل سؤالی داشتند آقایان برای جواب حاضر هستند  
وزیر داخله - در جلسه دیگر جوابم را خواهم کرد  
رئیس - آقای حاج شیخ یوسف واجح بریریه مسبو مراد گویا از آقای وزیر مالیه سؤالی دارند  
حاج شیخ یوسف - از جمله مسائلی که در مملکت ما لاینحل شده است یکی مسئله خزانه داری است بنده تقریباً هشت ماه است که در جراید محلی خودمان میخوانم که فلان کمیسیون برای رسیدگی بجهت خزانه داری تشکیل شده است گاهی می بینم این مسئله در جراید طلوع می کند که در این باب مذاکرات زیاد میشود که دولت فلان اقدام را کرده و بعضی اوقات می بینم خاموش میشوند بنده تصور میکردم که واقعا در اینمدت وزارت مالیه مشغول تحصیل صورت حساب خزانه دار است ولی متأسفانه دیروز در بعضی جراید محلی مشاهده کردم که ریضه مسبو مراد خزانه دار سابق بوزیر مالیه مینویسد و در آن اظهاراتی میکند و میگوید که در اینمدت که من از خزانه داری مستعفی شده ام مکرر از وزرای مالیه سابق تا بجا که شما وزیر مالیه چهارم هستید مکرر استرحام کرده ام که صورت محاسبات مرا در بیات دارید کسی تا بجا گوش بجز من نداده است و گمان میکنم مسبو مراد بکنه رادر نظر گرفته است و آن نکته اینست که گمان کرده است احساسات و تنفر مردم را بوسیله این تصور کافذها و غیره میتوانه رفع کند و ضمناً تصمیم را بگردن دولت میاندازد و میخواهد بگوید دولت تصمیم دارد که صورت محاسبه مرا دریافت نمیکند و من هیچ مسئولیتی ندارم اینست که بنده از آقای وزیر مالیه سؤال میکنم اگر اینمطلب صحیح است بفرمائید اگر صحیح نیست معجلابحساب این آقایانی که فرشتگان آسمان مملکت اروپا هستند و کاملاً خودشانرا در اینگونه امور بی تصمیم میداند و گمان میکنند بیک خدمت خوبی کرده اند رسیدگی کنند شاید انشاءالله زودتر تشریف ببرند  
وزیر مالیه - بنده هیچ لازم نمیدانم که در اینموضوع از وزرای سابق دفاع کنم فقط میتوانم عرض کنم هر کس با کسی حسابی دارد می تواند بنویسد و ببرد بنده هیچ معقول نمیدانم که بیک صاحب حسابی طرفش حساب را ببرد و به آورد کند پس باین دلیل میتوانم بگویم یا حساب را نوشته اند و با وسائل نوشتن حساب فراهم نبوده در این چند روزه که بنده در وزارت مالیه هستم قبل از آنکه آن رفقا مفصل مسبو مراد ببنده برسد تا کیدات در نوشتن حساب کردم یک نفر را خودم و تقاضا کرد که در پیش دست او برای نوشتن حسابش بگذارم گذاشتم و مخصوصاً چند روز قبل او را خواستم و مذاکرات مفصل در ترتیب حساب با او کردم بالاخره این طور صلاح دیدم آن محلی که نوشته بود حساب مینویست چون از حوزه وزارت مالیه دور بود و شاید لازم بود بعضی اسنادی را بخواهد و تحصیل اطلاعات بکند و فاصله اش دور بود و طول میکشید گفتن نزدیک باطابق وزارت مالیه بیک اطابق برای او معین کنند و سه نفر نویسنده از اشخاصی که خودش تقاضا کرده بود برای معین کردم که حساب او را بنویسند و تمام کنند بیکال او ذیل را تمام کردند سال مارس میل را هم مشغول شدند اگر

جلسه ۳۹۹  
صورت مشروح مجلس روز شنبه هفتم شهر رجب الامر ۱۳۳۳  
مجلس دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مومن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ه شنبه پنجم قرائت شد  
قائین با اجازه آقایان بطباطبائی سردار معتمد آصف الممالک .  
قائین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسمعیل نظام السلطان  
رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟ ملاحظاتی نیست .  
صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور ثانی در بقیه مواد قانون تشکیلات ماده ۲۷ ( ماده ۲۷ بمضمون ذیل قرائت شد )  
مدعی العموم و مأمورین مالیه دولت از دادن خرج